

۱۹

ثور ۱۳۹۳
(می ۲۰۱۴)

همبستگی

نشریه حزب همبستگی افغانستان

تظاهرات حزب همبستگی
در محکومیت روزهای شوم
هشتم و هفتم ثور



حزب همبستگی افغانستان | hmbastag.org

ثور: جشن جنایت کاران، ماتم ملی مردم ما!

همبستگی

صاحب امتیاز: حزب همبستگی افغانستان

مدیر مسئول: سید محمود «همرزم»

شماره تماس: ۰۰۹۳-۷۷-۳۷۶۱۷۷۷

شماره جواز: ۸۷

در این شماره:

- هشت و هفت ثور:
- ۱..... جشن جنایتکاران، ماتم ملی مردم ما!
- ۶..... فاجعه ملی بدخشان،
- د غویی اتمه او اوومه:
- ۹..... د جنایتکارانو میله او زموږ د خلکو ملي ویر!
- بازتاب تظاهرات همبستگی در تقیچ
- ۱۵..... سیهروزی ۸ و ۷ ثور در سایر رسانه‌ها
- تیم سیار صحی «حزب همبستگی افغانستان»
- ۲۵..... در ارگوی بدخشان
- د ولسمشریزې ټاکنې،
- ۲۹..... د ښکیلاک‌ګرو او جنایتکارانو په منګلو کې
- ۳۴..... تظاهرات پرشکوې در کابل
- ګروه سیار صحی «حزب همبستگی افغانستان»
- ۳۷..... در قریه صمتی بدخشان
- بازی با شعور سیاسی مردم
- ۴۰..... در مسخره‌ترین انتخابات دنیا
- ۴۷..... جان لنون د عدالت او آزادي غوښتنی تل پاتی غیر
- ۵۶..... در «ارگو» عمق محرومیت ملت را تماشا کردم
- ۶۳..... ولی خان دروازی، معرف استقلال افغانستان
- ۷۲..... جلسه نوبتی حزب همبستگی در کنړ
- ۷۶..... بی‌عدالتی در امریکا و جهان به گواهی آمار

هشت و هفت ثور: جشن جنایتکاران، ماتم ملی مردم ما!



هشت و هفت ثور،
لکه‌های ننگ تقویم ما اند
که بیش از سه دهه وحشت،
بربادی، تباهی و فروریختن
تمامی زیربنای اقتصادی،
فرهنگی و اجتماعی وطن ما
را به دنبال داشت. اما تا هنوز
میهن‌فروشان خلقی-پرچمی
و جاهلان خون‌خوار تنظیمی

به‌مثابه عوامل این فجایع تاریخ کماکان بر سرنوشت ملت ما حاکم بوده با
فروش چندین باره مادر وطن، حیثیت و غرور ملی ما را خدشه‌دار کردند و خود
غرق‌عشرت‌اند.

مردم ما با دادن قربانی و مرارت‌های طاقت‌فرسا پوزه اشغالگران روسی و

چاکرانش را به خاک مالیدند ولی با تاسف آسایش و امنیت حکم فرما نشد و بهای خون‌های ریخته شده در هشتم ثور ۱۳۷۱ توسط رهبران تنظیمی ساخت پاکستان و ایران به یغما رفت. به جای جشن پیروزی، مردم ما به سوگ فرزندان خود نشستند. جنگ‌های تباه‌کن تنظیمی، تجاوز بر مال و ناموس ملت و پاتک‌سالاری شیرازه سیاسی-اقتصادی افغانستان را از هم پاشید. کابل به حمام خون بدل شد. بیش از هفتاد هزار کابلی را قتل عام نموده و وحشیگری‌هایی کردند که کابوس آن تا هنوز از ذهن مردم پاک نشده است. دولت پوشالی کرزی و یاران جنگ‌سالارش بدون ندامت و سرافکندگی، هشتم ثور را «جشن ملی» می‌نامند که در حقیقت توهین به خون ده‌ها هزار هموطن ما و سرپوش گذاشتن به جنایات تکان‌دهنده‌ای است که نه فراموش می‌شوند و نه هرگز از خاطره‌ها زدوده خواهند شد. سیاه‌روز هشت ثور، نه تنها دستاوردهای مقاومت ضد روسی ملت را بر باد داد بلکه راه را برای تباهی بیشتر و تسخیر کشور توسط لشکر قرون وسطایی طالبان و دولت‌های پلید پاکستان، ایران، امریکا و ده‌ها کشور دیگر مساعد ساخت.

یادبود از صدها هزار قربانی این حوادث تکان‌دهنده و پافشاری و مبارزه به‌خاطر کشاندن تبهکاران آن به پای میز محاکمه محکی است که عناصر و نیروهای مترقی و آزادی‌خواه را از جمع حامیان جنایت کاران و اربابان خارجی شان جدا می‌سازد. نباید به هیچ قیمتی اجازه داد که ستمکاران تنظیمی، طالبی و خلقی-پرچمی با خاطر آرام تحت پرچم امریکا و با سوءاستفاده از شعار «عدالت انتقالی»، «دموکراسی» و «حقوق بشر» به استبداد و خیانت شان ادامه دهند.

تلاش‌های سیستماتیک و آگاهانه طی بیش از یک دهه جریان دارد تا خطرات تلخ و پیامدهای خونین هشت و هفت ثور از حافظه مردم و صفحات تاریخ حذف گردند. هدف اصلی این کارزار مساعدنمودن زمینه برای حاکمیت طولانی غداران دیروزی با القاب جدید زیر سایه امریکای متجاوز و متحدانش برای اسارت دائمی سرزمین ما است. «فراموش کردن گذشته» و «بخشیدن جنایت کاران» تیوری‌های خاینانه و مغایر با تمامی اصول قبول شده بشری اند که در هیچ کشوری نتایج مثبتی در پی نداشته است. عدم برخورد قاطع با گذشته

باعث تکرار این فجایع در آینده می‌گردد که ما در عمل مخرب بودن آن را تجربه کرده‌ایم. این تیوری‌های ساخت امریکا توسط مزدگیرانش با عوام‌فریبی تبلیغ می‌شوند تا بدین صورت مهره‌های پلید و خون‌خوار آن کشور از چنگ عدالت ملت خلاص شده برای تحقق سیاست‌های تجاوزی‌اش یک بار دیگر بر شانه‌های ملت تحمیل شوند. اگر امروز سرزمین ما به فاسدترین، مافیایی‌ترین و بی‌ثبات‌ترین کشور جهان مبدل شده، علت‌العلل را می‌توان در قدرتمندتر شدن خاینانی دید که تاریخچه شان مملو از مزدوری و بربریت و ضدیت با ترقی و دموکراسی است. به علت همین تیوری‌پردازی‌های ضدانسانی است که قصابان ملی به حدی جرئت یافته‌اند به جای شرمساری خود را قهرمان خوانده یک میلیونم فیصد مسوولیت ددمنشی‌های شان در کابل را نمی‌پذیرند.

هموطن دردمند، همان‌هایی که جگرگوشه‌ها و نزدیکانت را با بی‌رحمی تمام پریز کرده وطن‌زیبایت را به ویرانه مبدل کردند و آن را بار بار فروختند، امروز با فریب و نیرنگ همدیگربخشی نموده زمام امور را در چنگ گرفته‌اند. هیچ ملت بیدار و آگاه اجازه نداده و نخواهد داد که قاتلانش بدون تسویه حساب با گذشته، آزاد بخرامند و عیش و نوش کنند. اما با تاسف فراوان قاتلان مردم ما



تظاهرات «حزب همبستگی افغانستان» در کابل

به یاری امریکا نه تنها از چنگ محاکمه فرار کردند بلکه لباس موسیچه‌های بی‌آزار را به تن کشیده با شیوه‌های جدیدی به غداری و چپاول مصروف اند. اینان که بین مردم پایه ندارند، با کاشتن بذر اختلافات قومی، زبانی، سمتی، مذهبی و غیره می‌کوشند تعدادی را به‌سوی خود کشانیده، بدین صورت میهن‌دریبت را به سمت جنگ‌های قومی و حتا تجزیه سوق دهند.

از دید امریکا و دولت پوشالی‌اش آنانی که ترور و کشتار شان فقط متوجه مردم مظلوم ما باشد، تروریست و جنایت‌کار محسوب نمی‌شوند. به همین دلیل جلادان طالبی «برادر» خوانده شده با اعزاز و احترام بدرقه می‌شوند و در پروژه انتخابات اخیر شاهد بودیم که آدم‌خوارانی که باید در پشت میز محاکمه کشانیده می‌شدند، منحیث‌کاندیدان اجازه داده شدند. بالاتر از این، توهین به مردم را نمی‌توان سراغ نمود که نماینده حزب پلید گلبدین که پیایی از بستر آی.اس.آی در پشاور برای قتل کودکان و زنان معصوم ما انتحاری صادر می‌کند، در انتخابات راه داده شد. نامزد منفور این باند از یکسو کلمات «دموکراسی» و «حقوق بشر» را قلقله می‌کرد ولی از سوی دیگر از حملات انتحاری دفاع می‌نمود.

در مضحکه جاری انتخابات ریاست‌جمهوری تقریبا تمامی کاندیدان یا از جمله ویرانگران هشت ثوری اند و یا هم با اتکا به یک چنین آدمکشان معلوم‌الحال وارد کارزار انتخاباتی شده، با تقلب و زورگویی قصد رسیدن به ارگ را دارند. این ستم‌پیشگان درحالی که حرف از دموکراسی می‌زنند اما تهدید می‌کنند که اگر چنین و چنان نشد باز به کوه بالا شده دست به خشونت می‌زنیم. به همین دلیل پیکار علیه فاجعه‌آفرینان هشت و هفت ثور بیش از هر زمان دیگر، اهمیت کسب می‌کند و خط فاصلی است میان نهادها و عناصر مردمی و دموکراسی‌خواه و آن نیروها و به‌اصطلاح روشنفکران جیره‌خواری که جُبن و سازشکاری با خاینان ملی پیشه کرده به ساز امریکا و عوامل بنیادگرا و غیربنیادگرایش می‌رقصند.

شرارت‌پیشگان هشت ثوری و تمامی مهره‌های بیگانگان که ادامه حیات و زورمداری شان را در موجودیت پایگاه‌های امریکایی می‌بینند، با بی‌حیایی تنفرانگیز امریکای «ملحد» را فرشته نجات مردم ما تبلیغ می‌کنند. اما کسی

که از اندک ترین وجدان ملی برخوردار باشد و از ماهیت و تاریخچه قبیح امریکا آگاهی داشته باشد، می داند که این کشور سی سال است که جز مرگ و بربادی و خباثت هدیه ای برای مردم ما نداشته است.

ما به این باوریم که تا وقتی سایه شوم تروریست های تنظیمی و طالبی و شرکای جرم خلقی - پرچمی شان از سر ملت ما کم نشود، افغانستان روی ثبات و بهروزی را نخواهد دید. همین دشمنان ملت اند که به مثابه تکیه گاه اشغالگران امریکایی و دولت های منفور ایران و پاکستان مسبب وضعیت اسفناک جاری در کشور اند. این عاشقان دالر و کرسی حاضرند در ازای منافع شخصی و گروهی به آسانی استقلال و تمامیت ارضی و منافع ملی ما را در پای بیگانگان قربانی کنند.

«حزب همبستگی افغانستان» از تمامی شخصیت ها و نهادهای عدالت خواه و استقلال طلب صمیمانه می طلبد که علیه این دزدان شرف و هستی ملت، دست به دست هم داده، دور از هرگونه سازش و حرافی های روشنفکرانه در عمل برای کسب استقلال، دموکراسی و عدالت در هر سطح ممکن گام های استوار بردارند. این رزم بزرگ در قدم اول از معبر مبارزه علیه متجاوزان و شیاطین هشت و هفت ثوری می گذرد که هنوز هم جغد شوم شان بر گرداگرد فضای تیره میهن ما پرده می زند.

نفرتین و مرگ بر فاجعه آفرینان هفت و هشت ثور و شرکای جرم شان! فقط با بسیج همگانی و خیزش سراسری می توان دست قاتلان ملت را کوتاه ساخت!

حزب همبستگی افغانستان

۸ ثور ۱۳۹۳ - ۲۸ اپریل

کابل

اعلامیه

فاجعه ملی بدخشان، نگ دیگری در کارنامه دولت کرزی



هنوز فرش عزای قربانیان سیلاب‌زده‌ی جوزجان، سرپل، فاریاب، غور و چند جای دیگر جمع نشده بود که رانش زمین در ولسوالی ارگوی بدخشان، جان و مال حدود ۲۵۰۰ هموطن مظلوم ما را در فاصله چند ساعت در هم کوفت و ملت درددیده ما را بار دیگر به

ماتم عمیق نشاند. «حزب همبستگی افغانستان» به تمامی بازماندگان این حادثه المناک ابراز تسلیت نموده خود را در اندوه جانکاه آنان شریک می‌داند. تا یک شبانه روز این حادثه دلخراش، هیچ‌گونه کمک و مساعدتی که

بتواند در آن هنگام مردم گرفتار مصیبت را نجات دهد، از سوی نهادهای دولتی و موسسات خیریه صورت نگرفته است. از جهت دیگر گفته می شود که سال ها قبل مناطق آسیب پذیر افغانستان بخصوص بدخشان از سوی زمین شناسان نشانی شده و با هشدار در اختیار دولت ضد مردمی کابل قرار گرفت تا برای حفظ جان باشندگانش اقداماتی انجام دهد. ولی از آنجایی که همه ی سردمداران دولت غرق چپاول و عیش و عشرت خویش اند، کوچک ترین اعتنایی به وضعیت اسفناک مردم نکردند. کمک هایی هم که از جانب دولت صورت می گیرد خود داستان دردناک دیگر است. یکی از نمایندگان فاریاب در پارلمان به تلویزیون «خورشید» گفت وزارت زراعت ۸۶ تن آرد به سیلاب زدگان آن ولایت فرستاده اما آرد کهنه و گندیده که قابل استفاده نبود.

دفتر ریاست جمهوری که مصروف چانه زنی های انتخاباتی است، برای رسیدگی به این فاجعه ملی وقت نداشت. بناً شخص کرزی با یک اعلامیه میان تهی فقط «اظهار تاسف» می کند و بس. خلیلی نیز که در راس کمیته نام نهاد اضطرار قرار دارد برای خاک پاشیدن بر چشم ملت بر ساحه رفته برای آسانی کار فقط اعلان می کند چون امکانات پیشرفته برای جستجوی زنده ها و کشیدن قربانیان در اختیار ندارند، عملیات نجات پایان یافته جنازه غایبان



بدخشان خون می گرید،
ولی حاکمانش
بر گور بدخشانیان
مست عشرت می خندند
و یادگاری عکس می گیرند
تا خلف شان گوید
«بابا» به کمک «ارگویان»
شتافت.
«آژن»

از چپ به راست: محمد آصف رحیمی (وزیر زراعت و آبیاری)، نعمت الله شهرانی (مشاور ارشد دولت) و هادی ارغندیوال (وزیر اقتصاد) با چند زن سرکاری در قریه باریک آب ولسوالی ارگوی بدخشان با لبان پر خنده بر اجساد کشته شدگان رانش زمین، عکس یادگاری می گیرند.

برایشان ادا گردد.

آنانی هم که برای رسیدن به ارگ مسابقه دارند و در آخرین نمایشات انتخاباتی شان میلیون‌ها دالر صرف کردند و دو ماه تمام با تبلیغات فریبنده شان زیر نام «خدمت به مردم» و چه و چه گوش ملت را کر کردند، حال هیچ کدام حاضر نیستند بالاتر از اظهار تاسف کار عملی و کمکی برای مردم غرق فاجعه انجام دهند. نیروهای امریکایی هم که با ادعای گول‌زننده کمک به مردم افغانستان در کشور مستقر اند و از غرش طیارات و هیل‌کوپترهای گول‌پیکر شان مردم ما خواب آرام ندارند، برای رسانیدن کمک به این حادثه هیچ کاری انجام ندادند و برای هزارمین بار ثابت کردند که سرنوشت افغان‌ها برای آنان دو پول ارزش ندارد. در کوریای جنوبی اگر رییس جمهور به خاطر غرق‌شدن کشتی حامل ۴۰۰ کودک استعفا داد، اندکی شرافت و نیز ترس از محاکمه داشت. اما در اینجا آقای کرزی و حواریونش نه شرافت انسانی دارند و نه ترس از محاکمه، به همین سبب با یک تاسف دروغین طی یک ماه اخیر حوادث فاجعه‌بار طبیعی در چندین ولایت را با خونسردی زیر می‌زنند، چون سرنوشت مردم برای اینان پیشیزی ارزش ندارد. اکثر فجایع طبیعی را نمی‌توان جلو گرفت، اما اگر دولتی با حداقل حس ملی و متعهد به خواست‌های ملت در کشور حاکم می‌بود، بدون شک محدوده خسارات جانی ناشی از آن به حداقل می‌رسید و حتا می‌شد جلو بخشی از آن را گرفت.

«حزب همبستگی افغانستان» که اشغالگران امریکایی و دولت ملا-مافیایی و ضدملی کابل را عامل بدبختی‌های ویرانگر هر نوع آن می‌داند، خود را شریک غم مردم نگونیخت ما دانسته فریاد می‌نماید تا هنگامی که دولت ملی و دموکراتیک مبتنی بر اراده ملت حکمفرما نگردد هرگز مردم ما از چنگال حوادث تلخ طبیعی و مرارت‌های کشنده جنایت کاران رهایی نخواهند یافت.

حزب همبستگی افغانستان

۱۴ ثور ۱۳۹۳ - ۴ می

د غويي اتمه او اوومه: د جنايتکارانو ميله او زموږ د خلکو ملي وير!



د غويي اتمه او اوومه
زموږ د کليزې دوه تورې
ورځې دي چې څه باندې
دريو لسيزو په لړ کې
د هيواد د اقتصادي،
کلتوري او ټولنيزو ټولو
بنسټونو دمنځه وړلو
ترڅنگ وحشت، ويجاړتوب

او بربادي يې له ځان سره درلودله. ليکن تراوسه خلقي - پرچمي
هيوادپلوري او تورمغزه تنظيمي وينې څښونکي چې د روان تاريخ د
ناورينونو عوامل بلل کيږي، زموږ د وگړو په برخليک واکمن دي او په
څو وارې د خاورې او حيثيت پلورلو سره زموږ ملي غرور يې دمنځه

ویوړو، لیکن په خپله د عیش او عیشرت ژوند کې ډوب دي. زموږ خلکو په خپلو سربښندنو او ستړي ژوند سره یې روسي بنګیلاګر او د دوی چوپړان له خاورو سره خاورې کړل، لیکن له بده مرغه سوکالي او امنیت رامنځته نشو او د آزادۍ په لار کې د توی شویو وینو لوړه بیه د پاکستان او ایران لخوا د رامنځته شویو تنظیمي رهبرانو لخوا د ۱۳۷۱ کال د غویي په اتمه نیټه بې ارزښته شوه. زموږ خلک د آزادۍ د لمانځلو پرځای د خپلو اولادونو ویر ته کښیښتل. د تنظیمي ویجاړونکو جګړو، د ملت په شتمنیو او ناموس تیري کولو او پاتکیانو له امله د افغانستان سیاسي او اقتصادي ارزښتونه دمنځه ویوړل شول. کابل د وینې په حمام بدل شو او تر اوویا زرو ډیر کابلیان یې ووژل او داسې ځناوري یې ترسره کړه چې تراوسه د خلکو په ذهنونو کې پاتې ده. د ګرزي او د ده د جګړه مارانو پوچ رژیم پرته له کوم شرم او سر تیتیدو څخه د غویي اتمه «ملي جشن» بولي چې په حقیقت کې د لسگونو زرو هیوادوالو د وینې سپکاوی او هغو زړه بوږنونکو جنایتونو باندې سرپوښ کینډول دي، چې نه له یاده وځي او نه هم له خاطر و څخه ویستل کیږي. د غویي اتمې تورې ورځې نه یوازې د



په کابل کې د غویي اتم و اووم توري ورځې د همبستګۍ ګوند لاریون

روسيې پروړاندې د ملت لاسته راوړنې دمنځه وېوړې، بلکې د منځنيو پېړيو د طالبانو لښکر او د پاکستان، ايران، امريکا دولتونو او دغه راز لسگونو نورو هيوادونو ته يې زموږ د هيواد د ويجاړتوب او ښکيلاک زمينه چمتو کړه، دغه ورځ يوازې «ملي وير» يادولو شو او بس.

د دغو زړه بوږنونکو پېښو د سلگونو زرو قربانيانو ياد ژوندي کول او د محکمې ميز ته د جنايتکارانو د راښکلو ټينگار او مبارزه هغه کار دی چې د آزادۍ غوښتونکو پرمختللې ډلې او عناصر د جنايتکارو د ملاتړو او د دوی د بهرنيو اربابانو څخه جلا کوي. په هيڅ صورت سره بايد اجازه ورنه کړو چې تنظيمي، طالبې او خلقي - پرچمي ناوړه څيرې د امريکا د بيرغ لاندې په آرامۍ او د «انتقالي نياو»، «دموکراسي» او «بشري حقوقو» له شعارونو څخه په ناوړې گټې اخيستنې سره خپل ظلم او خيانت ته ادامه ورکړي.

تيرې يوې لسيزې څخه سيستماتيکې او ارادي هڅې روانې دي چې د غويي د اتمې او اوومې زړه بوږنونکې پايلې او ترخه يادونه د خلکو له يادداښت او د تاريخ د پاڼو څخه دمنځه يوسي. د دغې کمپاين اصلي موخه پرونيو مردارو څيرو ته چې اوس يې د امريکا ښکيلاکگر او د دوی د متحدانو د سيوري لاندې نوي لقبونه خپل کړي، د اوږد مهالې واکمنۍ او زموږ د خاورې د تل پاتې نيواک لپاره د زمينې چمتو کول دي. «د تير هيرو» او «د جنايتکارانو بڅښل» خاينانه او د بشر د ټولو منل شويو اصولو مخالفې خبرې دي چې په هيڅ هيواد کې يې مثبته پايله نه درلوده. له تير سره مخالفت نه ښودل، په راتلونکې کې د دغو ناوړينونو د بيا تکرار لامل گرځي چې په عمل کې مو ټول دغه وليدل. د امريکا جوړې شوې دغه مفکورې د دوی د مزد اخيستونکو لخوا د خلکو د غولولو لپاره تبليغ کيږي، خو د دې له لارې د دغه هيواد ناوړې مهرې او وينې څښونکي د ملت د نياو له پنځې څخه د تيبستې لار ومومي او د دوی د ناوړو موخو او سياستونو د پلي کولو لپاره د ملت پراوړو کښيني. که څه هم نن ورځ زموږ هيواد د فساد، مافيا او نا امنيو له پلوه د نړۍ هيوادونو په لومړي کتار کې راځي او لامل يې د خاينانو په ځواکمنتيا کې ليدلې شو چې ټول تاريخ يې په چوپړتيا او د پرمختگ او دموکراسي پروړاندې په بربريت او ضدت کې

ککړ دی. د دغو انساني ضد مفکورو له امله ده چې ملي قصابانو تر دې بريده جرئت پيدا کړی دی چې د شرم پرځای خپل ځان قهرمان بولي او په کابل کې د خپلې ځناورۍ او ويجاړتوب د ميليون يوه برخه هم پر خپله غاړه نه اخلي.

درديدونکي هيوادواله، هغه چا چې ستاسو د زړه توکړې او خپل او خپلوان يې درته په بې رحمۍ ووژل، بنکلی هيواد يې درته کنډواله کړ او هغه يې څو وارې وپلورو، نن ورځ په مکر او دوکې سره يوبل بڅښي او د واک چارې يې په ولکه کې نيولي دي. هيڅ ويځ او پوهه ملت اجازه نده ورکړې او ور به يې نکړي چې قاتلين يې د تير په هکله پرته له حساب څخه آزاد وگرځي او عيش او عيشرت وکړي. ليکن له بده مرغه زموږ د خلکو قاتلان د امريکا د سيوري لاندې نه يوازې دا چې له محکمې څخه وتبستيدل، بلکې د بې آزارو مرغيو په څير يې نوی لباس په تن او نويو لارو چارو په زريعه په لوټ او جنايت بوخت دي. دوی چې د خلکو ترمنځ ځای نه لري، د توکميز، ژبنيز، سمټي، مذهبي او نورو اختلافاتو د رامنځته کيدو له لارې غواړي، يو شمير وگړي د ځان په لوري راټول کړي او پدې توگه هيواد د توکميزو جگړو او تجزيې پر لور يوسي.

د امريکا او د دې پوچ دولت له انده هغه څوک چې يوازې مظلوم وگړي وژني، تروريست او جنايتکار نه گڼل کيږي. د دې له امله طالبې جلادان «وروڼه» وبلل شول او په احترام او عزت سره بدرگه کيږي او د ټاکنو وروستۍ پروژې کې د دې شاهد وو، هغه انسان خوړونکي چې بايد د محکمې ميز ته رابنکل شوی وايي، ټاکنو ته نوماند شول. خلکو ته له دې څخه بل ناوړه سپکاوی نشو پيدا کولای چې د گلبدين چټل گوند چې په پرلپسې توگه د پيښور د آی.اس.آی د خوب کټ څخه زموږ د بې گناه ماشومانو او د ښځو د وژلو لپاره ځانمرگي راليردي، په سپين سترگتوب سره د هغه استازي ته په ټاکنو کې د نوماندۍ ځای ورکړل شو. د دغې باندې کرکجن نوماند له يو اړخه د «دموکراسي» او «بشري حقوقو» خبرې اړولې او راپولې، ليکن له بل اړخه يې ځانمرگي بريدونه روا گڼل.

د غويي اتمې بدکسبو، وروستۍ يوې لسيزې په لړ کې په امريکا

او نورو څلویښتو هیوادونو باندې د افغانستان د ارزانه پلورلو ترڅنګ، زموږ هیواد یې د نړۍ او سیمې په استخباراتي مرکز بدل کړ. دوی په لوټ او غلا سره هیواد یې د نړۍ په کچه ډیر فاسد او مافیایي کړ او افسانوي پانګې یې ترلاسه کړې. د پرډیو ټولې مهرې خپل ژوند او واکمني د امریکایي اډو په شتون کې ویني او پرته له شرم څخه «ملحده» امریکا زموږ د خلکو د ساتنې فرشتې په توګه تبلیغوي.

لیکن هغه څوک چې د ملي وجدان لږه برخه په ځان کې ولري او د امریکا کرغږن تاریخ او ماهیت څخه پوهه ولري، پدې پوهیږي چې د دیرشتو کلونو په لړ کې زموږ د خلکو لپاره له مرګ، ژوبلې او ویجاړتوب څخه پرته نوره ډالۍ نه لري.

د ولسمشرۍ روانې د ټوکو ټاکنو کې تقریباً ټول نوماندان یا د غويي د اتمې ویجاړونکو څخه دي او یا هم د ورته څرګندو انسان وژونکو پرمټ د ټاکنو میدان ته ورګډ شوي او په چل او نر او زور سره غواړي ارګ ته ځان ورسوي. دغه بدکسبه پداسې حال کې چې له دموکراسۍ څخه خبرې کوي، دا ګواښ هم کوي که چیرې داسې او یا هغسې ونشي، بیا غر ته خیزو او تاوتریخوالی پیلوو. د دې له امله د غويي اتمې او



لاریون کوونکو د جنایتکارانو د محاکمې غوښتنه وکړه

اوومې ناورين رامنځته کوونکو پروړاندې مبارزه د نور وخت پرتله ډیر ارزښت ترلاسه کوي او ملي وگړو، بنسټونو، دموکراسي غوښتونکو او د مزد اخیستونکو روڼ اندو ترمنځ د واټن کرښه ده چې ملي خاینانو سره جوړجاړی د دوی کسب گرځیدلی او د امریکا، د بنسټپالو او غیربنسټپالو عواملو نغاړې ته گډیږي.

موږ په دې باور یو، تر هغه وخته چې زموږ د ملت له سر څخه د تنظیمي او طالبې تروریستانو او د دوی د جرم خلقي - پرچمي شریکانو بدمرغه سیوری لیرې نشي، افغانستان به د امنیت او سوکالۍ مخ ونه ویني. دغه د ملت دښمنان د بنکیلاکگرې امریکا او د ایران او پاکستان کرکجنو هیوادونو پرمټ زموږ په هیواد کې د اوسني وضعیت لاملین دي. دوی د ډالرو او څوکی داسې عاشق دي چې په بدل کې یې دې ته چمتو دي چې په اسانۍ سره زموږ ملي گټې، ځمکنۍ بشپړتیا او خپلواکي قرباني کړي.

د «افغانستان د همبستگی گوند» له نیاو او خپلواکي غوښتونکو شخصیتونو او بنسټونو څخه غواړي چې د ملت د شرف او شتمنیو د لوټمارانو پروړاندې یو بل ته لاس ورکړي او له هر ډول جوړجاړي او روڼ اندانه تشو خبرو پرځای تر ممکن بریده د خپلواکۍ ترلاسه کولو، دموکراسۍ او نیاو په برخه کې عملي گامونه پورته کړي. په لومړي گام کې دغه هڅې د غويي اتمې او اوومې شیطانونو او یرغلگرو پروړاندې مبارزه ده چې تراوسه یې زموږ د هیواد په خاورې باندې سیوری پروت دی.

مړه دې وي د غويي اوومې او اتمې ناورين رامنځته کوونکي او د دوی د جرمونو شریکان!

یوازې سرتاسري یووالي او پاڅون سره کولای شو د ملت قاتلین محکمې ته رابښکو!

د افغانستان د همبستگی گوند

بازتاب تظاهرات حزب همبستگی در تقبیح سیه‌روزهای ۸ و ۷ ثور در رسانه‌ها

کابل: تظاهرکننده‌ها خواهان مجازات عاملین
هفتم و هشتم ثور شدند

منبع: رادیو آزادی، ۱۲ ثور ۱۳۹۳

حزب همبستگی افغانستان با راه اندازی یک راه پیمایی در کابل ضمن تقبیح روزهای هفتم و هشتم ثور یکبار دیگر خواهان محاکمه و برکناری افراد متهم به جنایت جنگی از قدرت شدند.

شرکت کننده‌گان این راه پیمایی با سردادن شعارها بر علیه رهبران جهادی، حاکمان حکومت کمونیستی و مسوولان حکومت فعلی همه آنان را مزدوران کشورهای خارجی خطاب کردند.

این راه پیمایی از مقابل سفارت روسیه آغاز و تا قصردارالامان ادامه یافت و صدها تن به شمول پسران و دختران جوان در این مظاهرة اشتراک داشتند.

شرکت کننده گان هفتم و هشتم ثور را روزهای آغاز بدبختی مردم افغانستان خوانده و خواهان محاکمه عاملین جنایات در کشور شدند. آنان همچنان تمام جناح‌های دخیل در قدرت به‌شمول برخی از کاندیدان ریاست‌جمهوری را عامل جنایت و ویرانی کشور دانستند. حفیظ الله راسخ یکی از اعضای شورای رهبری حزب همبستگی افغانستان گفت:

«این‌ها باید از قدرت برکنار شوند و حکومت ملی و مردمی به وجود بیاید، کار ما همین است که این‌ها را خلع قدرت بکنیم و حکومت ملی را ایجاد بکنیم تا این‌ها را به میز محاکمه بکشانیم.»

مظاهره کننده گان کشورهای امریکا، پاکستان و ایران را نیز مورد انتقاد قرار داده ادعای کردند که جناح‌های مختلف در افغانستان را حمایت می‌کنند. آنان به رسم اعتراض به روی تصاویر تعداد زیاد از رهبران جهادی، مقامات حکومت فعلی به شمول رئیس‌جمهور کرزی، و حاکمان حکومت کمونیستی علامت چلیپا کشیده و آنرا با خود حمل می‌کردند. حزب همبستگی افغانستان در سال ۲۰۰۴ در افغانستان به فعالیت آغاز کرده



و در حال حاضر به رهبری محمد داود رزمک با داشتن بیش از ۳۰ هزار اعضا در کابل و بیست ولایت افغانستان فعالیت دارد.

به گفته اعضای این حزب هدف از فعالیت حزب همبستگی افغانستان تقبیح و حرکت برضد جنایات در چند دهه گذشته بوده و در سال های گذشته نیز چنین برنامه های را راه اندازی کرده اند. برخی از کارشناسان از حکومت فعلی انتقاد کرده و می گویند، در قسمت محاکمه عاملین جنایت ها درست عمل نکرده و در تطبیق عدالت کوتاهی کرده است.

استاد و دیر صافی یکی از این کارشناسان در مورد محاکمه جنایت کاران جنگی از سوی یک حکومت مردمی چنین نظر دارد:

«حالا باید عدالت بیاید یک حکومت مردمی بیاید که کار اولش امنیت و تامین عدالت باشد محکمه خاص تشکیل شود اگر در داخل نمی توانند محکمه بین المللی جنایی آی، سی، سی به همین منظور ایجاد شده برای آنان اجازه بدهند که جنایت کاران جنگی را ببرند.»

انتقاد های موجود اند که با وجود تقاضا های مکرر و صدا بلند کردن خانواده های قربانیان در چند سال گذشته تا هنوز گام برای مجازات متهم به جنایت جنگی برداشته نشده است. تلاش کردیم تا این انتقادات را با حکومت افغانستان شریک سازیم اما موفق نشدیم.

از سوی هم مردم و خانواده های قربانیان با ابراز نا رضایتی از عدم توجه حکومت در این زمینه می گویند، انتظار دارند تا از حکومت آینده در این قسمت اقدام عملی کرده و عدالت را تامین نماید.

جمعی از مردم به رهبری حزب همبستگی افغانستان در نكوهش هفتم و هشتم ثور راهپیمایی کردند

منبع: خبرگزاری افق، ۱۲ ثور ۱۳۹۳



جریانی موسوم به (حزب همبستگی افغانستان) طی بریایی تظاهرات و اعتراض خیابانی دو روز تاریخی افغانستان؛ ۷ و ۸ ثور را نكوهش کردند.

به گزارش خبرگزاری افق، جمعی از مردم به رهبری حزب

همبستگی افغانستان ضمن راه پیمایی در خیابان‌های شهر کابل علیه جریان خلق و پرچم و برخی رهبران جهادی شعار دادند.

آنان مسوولان حکومت فعلی را نیز مزدوران کشورهای خارجی خوانده و خواهان به دادگاه کشاندن و برکناری افراد متهم به جنایت جنگی از قدرت شدند. این جمع معترض هفتم و هشتم ثور را روز شومی برای افغانستان توصیف کردند. معترضان پلاکارت‌های باخود حمل می کرد که روی آن عکس‌های از رهبران جهادی با چلیپایی بر صورت آنها دیده می شد.

حفیظ الله راسخ عضو شورای رهبری حزب همبستگی افغانستان به رسانه‌ها گفت:

«این‌ها باید از قدرت برکنار شوند و حکومت ملی و مردمی به وجود بیاید، کار ما همین است که این‌ها را خلع قدرت بکنیم»

و حکومت ملی را ایجاد بکنیم تا این ها را به میز محاکمه بکشانیم.»

آنان کشورهای همسایه را نیز متهم به دخالت در امور افغانستان نموده ادعا کردند که هریک از کشورهای همسایه از یک جریانی در افغانستان حمایت نموده و می کند. این اعتراضات در حالی سرو سامان داده می شود که چند روز پیش طی مراسم های مختلفی از هشت ثور تجلیل به عمل آمده و سخنرانان ۸ ثور را خط سرخی برای جهاد دانسته تاکید نمودند که توهین به هشت ثور توهین به عزت جهاد و مردم افغانستان هست.

معترضان: عاملان «هفت و هشت ثور» از قدرت برکنار شوند

منبع: روزنامه اطلاعات روز، ۱۲ ثور ۱۳۹۳



اطلاعات روز: هزاران باشندگی کابل در یک حرکت اعتراضی عاملان «هفت و هشت ثور» را محکوم کردند و خواهان محاکمه شدن و برکناری آنان از قدرت فعلی شدند. این تظاهرات از سوی حزب همبستگی افغانستان

راه اندازی شده بود و هزاران نفر با اشتراک در آن، رهبران جهادی، مسئولان

حکومت کمونیستی و مقام‌های حکومت فعلی را محکوم کردند. تظاهرات دیروز با شعارهایی چون «عاملان هفت و هشت ثور محاکمه شوند، انتقام خون کابلی‌ها گرفته شود، امریکا و ناتو را نمی‌خواهیم، رهبران خلق و پرچم محاکمه شوند، رهبران جهادی جنایت کار اند و باید محاکمه شوند» از پیش سفارت روسیه آغاز و تا قصر دارالامان شهر کابل ادامه یافت.

آنان هم‌چنان روی تصویرهای شماری از رهبران جهادی و حزب خلق و پرچم خط چلیپا کشیده بودند و شروع «هفت و هشت ثور» را روزهای آغاز بدبختی در کشور عنوان کردند. معترضان تمام جناح‌های دخیل در قدرت، به‌شمول برخی از نامزدان ریاست جمهوری و معاونانش را عامل جنایت و ویرانی کشور دانستند.

هفت و هشت ثور دو روز تاریخی برای مردم افغانستان اند که حوادث و رویدادهای آن تأثیر عمیق و مستقیمی بر سرنوشت آینده‌ی کشور داشته است. در هفت ثور حکومت جمهوری داوود خان از طریق انجام کودتای خونینی توسط جناح‌های چپ طرف‌دار شوروی سابق سرنگون شد و رژیم خلق به رهبری نور محمد تره‌کی جاگزین آن شد.



تظاهرات حزب همبستگی افغانستان علیه روزهای سیاه ۸ و ۷ ثور در کابل.

در هشت ثور سال ۱۳۷۱ مجاهدان وارد کابل شدند و بعضی گروه‌های آن‌ها در هم‌کاری با برخی نظامیان حکومت سرنگون شده و داکتر نجیب‌الله، به قدرت رسیدند. بعد از سقوط حکومت نجیب، جنگ‌های داخلی در بین شماری از گروه‌های مجاهدان آغاز شد و در آن هزاران نفر کشته شدند و نیز بخش‌هایی از کابل به ویرانه مبدل شدند.

با این حال، معترضان دیروز «هفت و هشت ثور» را روزهای سیاه برای افغانستان خواندند و خواستار محاکمه شدن عاملان آن شدند. حفیظ‌الله راسخ، از مسئولان راه‌اندازی تظاهرات به خبرنگاران گفت که تمام عاملان «هفت و هشت ثور» از قدرت برکنار شوند و باید در کشور یک حکومت ملی و مردمی ایجاد شود.

هم‌چنان شماری از معترضان از کشورهای امریکا، پاکستان و ایران انتقاد کردند و گفتند که در امور داخلی افغانستان مداخله می‌کنند. شمس، یکی از معترضان گفت که کشورهای یاد شده از جناح‌های مختلف سیاسی کشور حمایت می‌کنند و این مسئله باعث بی‌ثباتی کشور شده است.

در همین حال، برخی کارشناسان و نهادهای حقوق بشری از حکومت انتقاد کرده و می‌گویند که در جریان سال‌های گذشته عاملان جنایت‌های جنگی را محاکمه نکرده است. و دیر صافی، یکی از این کارشناسان در کشور می‌گوید که در حال حاضر باید در کشور یک حکومت مردمی ایجاد و محکمه‌ی خاص برای جنایت‌کاران جنگی تشکیل شود.

این در حالی است که فعالان مدنی و بازماندگان قربانیان جنگ نیز خواهان تطبیق عدالت انتقالی شده‌اند. موضوع عدالت انتقالی را کمیسیون مستقل حقوق بشر به عنوان یک روند برای تأمین صلح پایدار مبتنی بر عدالت و حقوق بشر در نظر دارد، تا به جنایت‌های گذشته رسیدگی شود.

کمیسیون حقوق بشر چندسال پیش گزارش خود در این زمینه را کامل کرد و در اختیار حامد کرزی قرار داد، اما در اخیر برنامه‌ی عدالت انتقالی از سوی حکومت تطبیق نشد. گفته شده که کمیسیون حقوق بشر گزارش ۸۰۰ صفحه‌ای را در مورد جنایت‌های سه دهه‌ی گذشته تهیه کرده، اما شماری از مقام‌های دولتی مانع نشر آن می‌شوند.

مظاهره‌کنندگان رویداد هفت و هشت ثور را محکوم کردند

منبع: آژانس خبری پژواک، ۱۲ ثور ۱۳۹۳



کابل (پژواک، ۱۲ ثور ۹۳):
 هواداران حزب همبستگی
 افغانستان طی راهپیمایی،
 رویدادهای "هفت و هشت
 ثور" را محکوم کردند و
 رهبران احزاب خلق و پرچم،
 مجاهدین و طالبان را عاملان
 برپادی افغانستان خواندند.

این راهپیمایی که حدود یکهزار تن در آن شرکت کرده بودند، امروز از مقابل سفارت روسیه در شهر کابل آغاز و در مقابل قصر دارالامان خاتمه یافت. در هفتم ثور سال ۱۳۵۷ خورشیدی، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در یک کودتا قدرت را به دست گرفت که تجاوز نظامی اتحاد شوروی وقت بر افغانستان را نیز در پی داشت؛ اما با مقاومت سرسختانه مردم افغانستان رویه رو گردید. جهاد مردم افغانستان، سال ها ادامه پیدا کرد؛ اما با دادن قربانی های زیاد سرانجام در سال ۱۳۶۸ منتج به اخراج نیروهای شوروی از افغانستان گردید. در هشتم ثور سال ۱۳۷۱ مجاهدین وارد کابل شدند و بعضی گروه های آنها در همکاری با برخی نظامیان حکومت سرنگون شده داکتر نجیب الله، به قدرت رسیدند.

بعد از سقوط حکومت نجیب، در جنگ های داخلی بین برخی گروه های مجاهدین و جنرالان حکومت سرنگون شده، قسمت های زیاد شهر کابل، به ویرانه مبدل شد و شمار زیادی از شهریان کابل به قتل رسیدند.

انجنیر حفیظ الله راسخ مسوول راه اندازی تظاهرات امروز و عضو شورای رهبری حزب همبستگی، هفت و هشت ثور را روزهای سیاه خوانده افزود:

«هفت ثور از سوی غلامان اتحاد شوروی، و هشت ثور از سوی غلامان امریکایی بود و این وطن را ویران کردند.»

وی در مورد جهاد مردم افغانستان علیه نیروهای شوروی گفت:

«مردم برحق برضد روس ها تفنگ گرفتند و وطن را آزاد کردند؛ اما این ها (برخی سران آنها) تجارت کردند؛ امروز این ها میلیون ها پول در دبی دارند، این ها بلند منزل دارند، این ها صدها هزار جریب زمین در خارج دارند.»

به گفته او تعدادی از افراد، به نمایندگی از مجاهدین به قدرت رسیده اند که نمایندگی از مردم نمی کنند و همین افراد، باعث ویرانی کابل شده اند. انجنیر راسخ علاوه کرد:

«فرزندان شهدای جهاد افغانستان، در فقر به سر می برند؛ اما تعدادی دیگر به نام جهاد تجارت می کنند.»

به گفته موصوف، افرادی که باعث ویرانی کابل و قتل هزاران کابلی شده اند، محاکمه شوند. ناهید یک تن از اشتراک کنندگان این تظاهرات گفت که پیامدهای هفت و هشت ثور، برای مردم افغانستان ویرانی و بربادی بوده است و باید عاملان آن محاکمه شوند. وی افزود:

«هفت ثور و هشت ثور هردو را تقبیح می کنیم؛ به خاطری که این ها هرنوع جنایت را علیه مردم انجام دادند؛ اما امروز در

قدرت هستند.

شماره نوزدهم، ثور ۱۳۹۳ - می ۲۰۱۴

تظاهرات کنندگان امروز، با سردادن شعارهای "انتقام خون کابلی ها را می گیریم، امریکا و ناتو را نمی خواهیم، رهبران خلق و پرچم محاکمه شوند، مرگ به عبدالله، مرگ به سیاف، مرگ به گلبدین حکمتیار، مرگ به دوستم، مرگ به قانونی، مرگ به محقق، مرگ به عطا، مرگ به خلیلی، جنایتکاران جنگی محاکمه شوند، ویران کنندگان کابل محاکمه شوند و غیره" راه پیمایی نمودند. عکس هایی از ویرانی های شهرهای افغانستان و صحنه های دلخراش کشتار افغان ها در جریان جنگ های سه دهه اخیر نیز توسط تظاهرکنندگان حمل می شد. همچنان مظاهره کنندگان، عکس های چلیپا شده رهبران احزاب خلق و پرچم، مجاهدین، سران طالبان و حامد کرزی رییس جمهور افغانستان را نیز با خود حمل می کردند.

آنها می گفتند که مردم افغانستان، باید با پیروی از انقلاب های مردمی در مصر، تونس و لیبیا، کسانی را که به حق مردم افغانستان جفا کرده اند، خلع قدرت کنند و سرنوشت خود را خود به دست گیرند. آنها شعارهایی را علیه پاکستان و ایران نیز سر می دادند و می گفتند که پاکستان، برای افغانستان گروه طالبان را پرورش داده و ایران هم از این گروه حمایت می کند.

این، سومین سال است که حزب همبستگی افغانستان، همچوتظاهرات را به هدف تقبیح کردن هفت و هشت ثور راه اندازی می کند.

فعالیت های حزب

تیم سیار صحی «حزب همبستگی افغانستان» در ارگوی بدخشان



تیمی متشکل از بیست تن از داکتران و کارکنان صحی «حزب همبستگی افغانستان» از چند روز بدینسو در ساحه فاجعه ارگوی بدخشان یک مرکز صحی راه اندازی نموده مصروف مداوای بازماندگان این حادثه دردناک اند. آنان تا

کنون به صدها بیمار خدمات صحی ارائه نموده ادویه مجانی توزیع کرده اند. درحالیکه کمکهای زیادی از سوی کشورهای خارجی و نهاد های خیریه به دولت افغانستان رسیده اند اما بعلت فساد لجام گسیخته و حاکمیت جنگسالاران در

بدخشان متأسفانه امکانات ناپیزی در اختیار مصیب دیدگان قرار گرفته و



تیم سیار صحتی حزب همبستگی در ارگوی بدخشان



داکتر داوود رزمک رئیس حزب همبستگی افغانستان در حال مداوای بیمار



باآنکه چند تیم صحنی دیگر نیز در ساحه حضور دارند اما بنابر نبود داکتران زن در سایر تیم‌ها، زنان و کودکان زیادی به مرکز صحنی حزب همبستگی رجوع می‌کنند.



برای کمک‌های بیشتر و ارائه خدمات بهتر صحنی به فاجعه‌زده‌گان بدخشان، حزب همبستگی به کمک‌های مالی دوستان و هوادارانش نیاز شدید دارد.



تیم سیار صحنی حزب همبستگی در ارگویی بدخشان

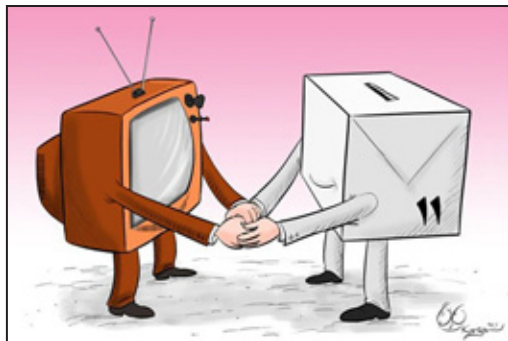
باند‌های مافیایی در تلاش قاپیدن این کمک‌ها اند. حزب همبستگی با امکانات ناچیزش می‌کوشد به مردم فقیر و نیازمند نه تنها قریه آب‌باریک رسیدگی نماید بلکه به اهالی سایر قریه‌جات این ولایت که در اثر سیلاب‌های مدهش دار و ندار شانرا از دست داده اند اما در مرکز توجه رسانه‌ها قرار ندارند خدمات صحنی ارائه نماید.

مهیا نمودن سهولت‌های مجانی
صحنی برای مردم؛ مساعد ساختن
شرایط مناسب معیشت برای مامورین
پایین‌رتبه دولت، معلمان و کارگران.

یکی از اهداف حزب

د گوند لید

د ولسمشریزې ټاکنې، د بنکيلاکګرو او جنايتکارانو په منګلو کې



د نيواکګرو او چوپړه
دولت تر سيوري لاندې
د ولسمشریزې ټاکنو زړه
بورنوونکې زور او غوغا چې
زموږ د بې دفاع هېوادوالو
قرباني کولو سره مل دی،
پای ته د رسيدو په درشل
کې دي، خو هغه څه چې

په دې وخت کې يې زموږ ولس يوه ژبه او يو لاس کړی، دا دی چې
راتلونکې برخليک به د تيرو کلونو په خير زموږ رايه نه، بلکې سپينه
مانۍ ټاکي. له دې امله هغه څوک به د ولسمشرۍ په څوکۍ ډډه لگوي
چې تر نورو زيات امريکايي يرغلګرو ته سرخوړونکې او فرمان منونکې
وي.

شک نشته چې ټاکنې په ټولو بشري ټولنو کې د ریښتینې دموکراسۍ یو اساسي بنسټ دی چې ملي- دموکرات ځواکونه دغې موخې ته د رسېدلو لپاره په کلک هوډ مبارزه کوي. خو کله چې دموکراسي شتون نه لري او زموږ ټاټوبی د نیواکگرو او د دوی د چوپړانو په خوراکې بدل شوی وي، د «آزادو او رڼو ټاکنو» او «خپلواکه نوماندانو» په څیر د سلگونو بنایسته مگر خنده راوړنکو شعارونو نارې او سوړې وهل د ولس غولولو پرته بل څه نه دي. دغه د امریکایي یرغلگرو او د هغوی د انسان خوړونکو ملگرو تر سیوري لاندې ننداره ییزې ټاکنې به له درغلیو، تېرایستلو او ناامنیو پرته د مظلومو خلکو په ژوند کې به هېڅ کوم مثبت بدلون رامنځته نه کړي.

له بلې خوا که امریکا او چوپړانو یې داسې انگیرل چې ټاکنې به د ملت رښتینې برخلیک وټاکي او د دوی د الې او گولې څخه ډکې خونړۍ ولکې پر خلاف به ملي شخصیت سیاسي واک ترلاسه کړي، هېڅکله یې د دغه راز ټاکنو اجازه نه ورکوله او د ملت د بدمرغیو لپاره به یې بله لار لټولې وای.

زموږ ولس په خپل دیارلس کلن ازمیښت کې د نیواکگرو او د هغوی د غوړه مالانو په ناولي جوړښت پوه شوي او پوهېږي چې ولسمشرۍ ته د ټولو نوماندانو سر د څرگندو جنایتکارانو او یرغلگرو له لستونې راوځي او ټول هغه ازمیښت شوي وگړي دي چې د همدغه فساد څخه ډک، مافیایي او ګوډاګي نظام د غځېدلو هیله لري. له همدې امله ټول په یوه خوله د امریکا نظامي شتون د الله نعمت بولي، له اوس څخه په ډاګه وایي چې لومړی ګام به یې پر امریکا باندې د افغانستان پلورلو پر تړون لاس لیک کول وي. همدارنګه هر ډول او د هر قام لوی جنایتکاران د خیانته ډکې قام پالنې او دروغجنو او منځ تشو شعارونو پر بنسټ پر یوځای سره راغونډ شوي او د «ملي یووالي» نغارې وهي او په پای کې هم ټولو د خپلو زړو فکرونو په خوندي ساتلو غولونکي او چوپړ تیمونه سمبال کړي دي. د دغو زیاترو وگړو د دولس کلونو په لړ کې پرته د یرغلگرو له هملاسی، تالان او جیب ډکولو، جنایت کولو، د زیاتې کوونکو له څربولو، دروغو او درغلیو څخه نور څه نه دي ترسره کړي.

د ازمیښت شویو او بدنامه نوماندانو د لښکر په لیدلو زموږ ولس یې له ټاکنو څخه دومره بېزاره کړ چې دولت او نړیوالو ملاتړو ته یې پرته له دې چې د رسنیزې وسلې څخه ګټه واخلي او د بې ساري تبلیغاتو او دروغجنو گزارشونو او لید لور پرته کولو په وسیلې د ملت ذهنونه د تبلیغاتي بمبار لاندې راولي، ترڅو یو شمېر خلک د ټاکنو د صندوقونو خوا ته راوکاږي بله لاره نه وه پاتې. تیرو څو میاشتو کې ملت ته دومره دروغ واورول شول چې د هیواد په تاریخ کې یې ساری نه درلود. د ملت رښتیني غږ د هیڅ یوې رسنۍ څخه خپور نشو. خو کله چې په کوڅو او بازارونو کې د بې وزلو خلکو خبرو ته غوږ شی، هغه وخت به د اوسني روان وضعیت په اړه د هغوی د پوهې کچه درته په ډاګه شي چې څه ډول ډېری خلک په روان بهیر د «انتصاباتو» په نومولو سره ملنډې وهي او د خپل ګډون په اړه ناخوښي څرګندوي.

هغه غولوونکي شعارونه هم چې دوی د «پروګرام» او «پلان» په نوم وړاندې کړي، یوازې د ولس غولولو لپاره یو دام دی، او نه کوم بل څه.

یوازینی حقیقت چې ټول نوماندان د خپلو شعارنو لپ کې اعتراف پرې کوي، دا دی چې د کرزي دولت سربیره پردې چې پخپله یې هم د هغه بنسټونه جوړول- د امنیت او عدالت، بیارغاوې، فساد او جنگ سالاری له منځه وړلو، د ولس سوکالۍ، قانونیت، د بنځو د حقونو ترلاسه کولو، پرمختګ او نورو هغو ژمنو کې چې پنځه کاله دمخه یې خلکو ته ورکړې وې په بشپړه توګه پاتې راغلي او بې پامه وو. په همدې حال کې دوی ټول د همدغه رژیم په دوام موندلو ټینګار کوي چې روان ناورین ته د دوام ورکولو له ژمنتیا پرته، بله مانا نه لري.

که هر نوماند، ګټونکی اعلام شي، بیا به هم د ټاکنو پایله هېڅ څیز ته د خلکو په ګټه بدلون ورنه کړي لکه چې په تیرو دولس کلونو کې یې بدلون ورنه کړ. نه اقتصادي وضعیت ښه کېږي او نه سیاسي. نه به نسبي امنیت رامنځته شي او نه به جنایتکاري دمنځه ولاړه شي. هماغه پخوانی کرغین پوستین به له نوی مخ سره وي او په ارګ کې به یو غل د بل غله پرځای وتومبل شي.

البته په دې منځ کې د هغو وجدان پلورو او ولس څخه مخ اوږیدلو

رون اندو وضعیت د نندارې او کرکې وړ دی چې د ډالرو ترلاسه کولو لپاره له اونیو راهیسې د دې او هغه معلوم احواله نومانده په ګوته د استعمار له دروغ شیندونکو دستگاه ګانو څخه د ټوکو ټاکنو د رنگولو په نیت خپل ستونی شلوي.

بنګریز دروغ، زرګري جګړې، بې مانا خبرې او د وحید عمر، عبدالعلی محمدي، سانچارکي، حمیدالله فاروقي، محمود صیقل، محمود کرزي، فهیم کوهدامني، فضل الرحمن اوريا او لسګونو نورو ډیالوګانو بې ارزښته ملاتړ به د رای ورکوونکو لیکې اوږدې نکړي، ځکه زموږ ولس په خپلې تجربې سره پوهېدلی چې د نیواکګرو تر جغ لاندې رنگ په رنگ او دروغجنې وعدې به د دوی د ډېرې کوچنۍ بدمرغۍ غوټه هم خلاصه نه کړي او هغه څوک چې راتلونکې کې د واک پرګدی کښيني، د یوې بې واکه نانځکې په څېر به یواځې د بنګیلاکګرو د سیاست پلي کولو دنده ولري او بس.

د ګلبدين تروریست ګوند او وینې توپیوونکي جاهل طالبان چې د آی. اس. آی تر سیوري لاندې د «وسله وال اپوزیسیون» او «مرورو وروڼو» په څیرو کې د امریکا او لوېدیځ نړۍ نیوونکو پروګرامونو ته د سیمې لارې پرانیستونکي دي، دواړه د خپل خاوند په اشارې نڅا کوي. اسلامي ګوند د نوماندانو ډلې ته د خپل لوی تروریست په استولو د ټاکنو تنور ګرم کړ خو ځناور طالبان د تیر په څیر د بې ګناه ولس پر وړاندې د ګواښ او جنایت له لارې د ناکرارۍ او بدامنۍ په جاري ساتلو کې خپل رول ترسره کوي، ترڅو چې امریکا سره د تړون لاسلیک کولو ته لار هواره شي. د ټاکنیزو چارو پروړاندې د دغې جاهلې ډلې ګواښ، ترتیب شوی پلان او د امریکا او لویدیځ سیاست سره جوښت موازي دی، نو ځکه خو هېڅ ارزښت نه لري. په دې ځای کې یواځې زموږ رېږدلی ولس دی چې د ځناورو طالبانو تر بیرحمۍ لاندې راځي او بس.

د «افغانستان د همبستګی ګوند» د خپلواکۍ، آزادۍ، دموکراسۍ او د نیاو د رښتینې بیرغ نیونکي په څیر، د هیواد روان وضعیت په پام کې نیولو سره د تیر په څیر چې پنځه کاله دمخه یې د نیواک تر سیوري لاندې ټاکنې یې د رټلو وړ او مسخره وګڼلې، نن هم په هماغه زور د

ولسمشرۍ ټاکنې دروغجنې بولي او په زغرده وايي چې پايله يې که هرڅه وي، د ملت د دردونو د هيڅ درد درمل به نشي، بلکې دا د پرديو په لاس روزل شوې مافيایي کړۍ ته د واکمنۍ د «مشروعیت» بخښلو یوه هڅه ده. د افغانستان خلک رښتینو ټاکنو ته د رسیدلو پورې اوږد مهل ترمخې لري چې ترلاسه کول یې پرته له ډیرو هلو ځلو او سربښندو هیڅ امکان نه لري.



نقاشی از کشتار کارگران معترض در شیکاگو مشهور به «قتل عام میدان بیده» در ۴ می ۱۸۸۶، در چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران امریکایی که خواهان تعدیل شرایط کار و کاهش ساعات روزانه کار از ۱۰ به ۸ ساعت بودند، پس از انفجار در داخل معترضان که باعث مرگ یک پولیس شد، پولیس به روی کارگران اعتصابی و هواداران شان آتش گشود. در این حادثه تعداد بی شماری کشته و زخمی شدند و پسان دولت چهار تن بی گناه را اعدام نمود. از آن به بعد، «انترناسیونال دوم» روز اول می را جهت یادبود و احترام از کشته شدگان به حیث «روز جهانی کارگر» انتخاب نمود که تا به امروز در سراسر جهان تجلیل می شود.

گزارش‌ها: عارف حامی

تظاهرات پرشکوهی در کابل



صبح امروز (۱۲ ثور ۱۳۹۳ - ۲ می ۲۰۱۴) در خانه نشسته و مشغول چای خوردن بودم که سر و صدای بلند، به گوشم رسید. از خواهرزاده‌ام، که تازه از بیرون برگشته بود، پرسیدم، که سر و صدای چیست؟ خواهرزاده‌ام در جواب گفت

که تظاهراتی برپا شده است. به سرعت از خانه بیرون آمدم و دیدم که حدود بیش از ۲۵۰۰ تن از هموطنان ما دست به تظاهرات زده‌اند. وقتی به شعارهای تظاهرات گوش کردم، دیدم، که معترضان جنایت کاران ۷ و ۸ ثوری را می‌کوبند. شماری از شعارهای تظاهرات، چنین بود:

«مرگ بر عبدالله غدار
مرگ بر سیاف گفتار

مرگ بر گلبدین خونخوار
 مرگ بر عطا، این گرگ هار
 مرگ بر قانونی ریاکار
 مرگ بر دوستم ستمکار
 مرگ بر محقق سیه‌کار
 مرگ بر خلیلی خیانت‌کار
 طالبک سیه‌رو / نفرین و مرگ بر تو
 خلقی و پرچمی جلادخو / نفرین و مرگ بر تو»

شعار دیگری که برایم بسیار گیرا بود:
 «نه امریکا نه ناتو / نفرین و مرگ به هر دو»
 «هشت و هفت ثور: جشن جنایت کاران، ماتم ملی مردم ما!»

برای من بیشتر از تظاهرات و معترضان و شعارهای شان، عکس‌العمل هموطنان ما که کار شان را توقف داده و در کنار جاده به تماشای تظاهرات ایستاده و به شعارهای تظاهرات گوش داده بودند، جالب‌تر بود. یک تن از هموطنان ما می‌گفت:

«آفرین پدر اینان، که جرئت کرده و علیه این جانیان دست به تظاهرات زده‌اند.»



دیگری گفت:

«عجیب مردمی هستند، علیه همه شعار می‌دهند.»

سومی در جواب دومی گفت:

«نخیر آقا جان، علیه همه شعار نمی‌دهند، علیه همه جنایت‌کاران شعار می‌دهند». یکی دیگر از میان جمع می‌گوید:
«خدا کند که همه‌ی مردم ما همت کرده و علیه این جانیان به پا خیزند!»

راستی در اوضاعی که اشغالگران امریکایی درامه‌ی دموکراسی را به راه انداخته و کثیف‌ترین جنایت‌کاران جنگی از قبیل عبدالله، سیاف، محقق، دوستم، قطب‌الدین هلال و... را در تیم‌های انتخاباتی ریاست جمهوری جابجا کرده‌اند، انتخاباتی که به دلیل ادامه اشغال و شرکت جنایت‌کاران جنگی منحنیث کاندیدان اصلا نمی‌تواند مشروعیت داشته باشد و بدین طریق بدترین تمسخر را علیه مردم و کشور ما روا می‌دارند. جای بسا افتخار است، که بالاخره کسانی هستند، که بدون هراس از زورگویی‌های جنایت‌کاران، دست به تظاهرات علیه این جانیان و حامیان اشغالگر شان می‌زنند.

زنده‌باد افغانستان!

نابود باد اشغالگران جنایت‌کار امریکایی و عوامل فرومایه‌ی آنان!

فعالیت های حزب

گروه سیار صحی «حزب همبستگی افغانستان» در قریه صمتی بدخشان



درحالی که توجه رسانه‌ها و نهادهای کمک‌کننده این روزها عمدتاً به فاجعه قریه آب باریک ولسوالی ارگوی بدخشان متمرکز گشته‌است، مردم سایر مناطق سیلاب‌زده این ولایت که در وضعیت بد قرار دارند به دور از هرگونه

امکاناتی با مشکلات جدی مواجه‌اند. به همین منظور، گروه سیار صحی «حزب همبستگی افغانستان» به ادامه کمک به مردم قریه آب باریک ولسوالی ارگو به مناطق سیلاب‌زده شتافته به معالجه مردم آنجا پرداخت.

آفاقی مربوط ولسوالی ارگو از قریه‌هایی است که در اثر لغزش کوه خانه‌ها ویران و ۱۰۰۰ جریب زمین للمی و ۲۶۰ جریب زمین آبی زیر خاک شده‌اند. ۳۰۰ خانواده ساکن این قریه خانه‌های شان را ترک نموده در زیر خیمه‌ها روی زمین‌های نمناک به سر می‌برند. سردی هوا و نبود آب و سایر امکانات باعث شیوع امراض سینه و بغل، جان‌دردی، اسهال و غیره گردیده‌است.

به این قریه، که در مسیر راه فیض آباد در بین دو کوه قرار دارد، تا حال هیچ کمک غذایی و دارویی نرسیده و حتا در رسانه‌ها هم یادی از آنان نمی‌شود. راه مواصلاتی قریه آفاقی با قریه‌های همجوار مسدود گردیده‌است. رانش کوه در این محل باعث بندش مسیر آب گردیده و باشندگانش از این ناحیه به شدت نگران‌اند. اینان می‌گویند اگر کمک‌های عاجل برای شان صورت نگیرد حادثه ناگوار دیگری به مراتب بزرگ‌تر اتفاق خواهد افتاد.

گروه صحنی «حزب همبستگی افغانستان» تحت هدایت داکتر داوود رزمک، رئیس حزب، مشتمل بر شش داکتر، پنج نرس و ۹ کارمند دیگر می‌باشد و تاکنون حدود ۳۰۰ بیمار قریه همجوارش یعنی قریه صمتی را معاینه و اداویه مجانی برایشان توزیع نموده‌است.



تیم سیار صحنی «حزب همبستگی افغانستان» در قریه صمتی بدخشان

در این جریان یکی از کارمندان این گروه صحنی با یک تن از باشندگان قریه آفاقی به قریه نامبرده شتافت تا گزارشی را از وضعیت مردم فراهم سازد. تصویرهای این گزارش نشان می‌دهد که رانش به مراتب بزرگ‌تری در این قریه رخ داده‌است که به مراتب بدتر بوده‌است. ولی حاکمان دولتی کارشان آسان ساخته و فقط یک قریه را منبع تبلیغاتی و عایداتی خود ساخته‌اند. بنابر گفته مصاحبه‌شوندگی در قریه آفاقی، رانش‌های مشابه‌ای در چندین دره دیگر نیز به وقوع پیوسته‌است. تصویرها و کلیپ ویدیویی این قریه به زودی به نشر خواهد رسید.

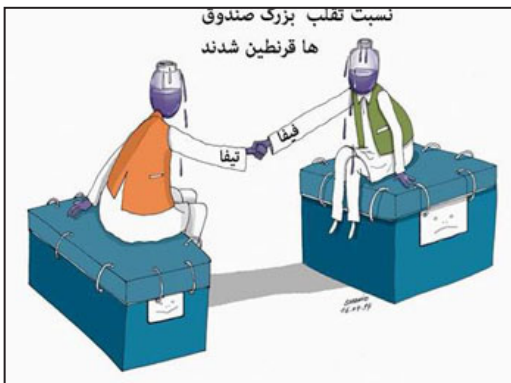
حزب همبستگی، کمک‌های صحنی‌اش را به سایر قریه‌های ولایات مصیبت‌دیده ادامه داده برای خرید ادویه به کمک‌های مالی دوستان و هواخواهان‌ش نیاز فوری دارد.



تیم سیار صحنی «حزب همبستگی» در قریه صمتی بدخشان

نویسنده: واحد منصوری

بازی با شعور سیاسی مردم در مسخره‌ترین انتخابات دنیا



بدون تردید انتخابات در کشوری دارای فاسدترین دولت جهان، تنها با یک کارزار بی سابقه تبلیغاتی می توانست در ذهن مردم به مثابه یک حرکت واقعی و «آینده ساز» جلوه گر گردد و بس. در سومین نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری با صرف

صدها میلیون دالر در یک برنامه از پیش طرح شده شعور سیاسی مردم به بازی گرفته شد تا مردمی را که به تجربه دریافته اند رای شان در انتخابات های قبلی هیچ تغییری در زندگی شان به بار نیاورد، پای صندوق های رای بکشانند.

اکثریت مطلق رسانه‌های افغانستان در یک حرکت سازمان یافته، هم‌صدا فقط نظرات مثبت را انعکاس داده، بر انتقادات جدی که مشروعیت انتخابات را زیرسوال برد، پرده افکندند. حتا ندای مخالفت داکتر رمضان بشردوست که با درس‌گیری از انتخابات قبلی گفت: «همان کسی را که امریکا بخواهد برنده اعلان خواهد شد ولو یک رای داشته باشد»، از هیچ رسانه‌ای انعکاس نیافت.

تلویزیون‌های افغانستان چندین روز متوالی توسط چند چهره معلوم الحال و بلی‌گوی دولت اجاره شدند و با ربا و دروغ شان افکار عامه را مورد بمبارد تبلیغاتی قرار دادند. آنان به صورت خنده‌آور با «حماسه انتخاباتی»، «انقلاب انتخاباتی» و «جشن ملی» نامیدن این مضحکه سعی در گول‌زدن افکار عامه نمودند. اما آیا این آقایان و خانم‌ها از آن حد وجدان و شرف برخوردارند که با دیدن حکومتی به مراتب گندیده‌تر و فاسدتری که از این «انتخابات» سر بدر خواهد آورد، احساس خجلت کرده از این عوامفریبی‌های شان شرم کنند؟ دلیل این سرپوش‌گذاری بر تقلب گسترده و مسخره‌گی‌های انتخابات یا به گفته «کارشناسان» کرایه‌ی دستگاه حاکم «مثبت‌گرایی» را فضل‌احمد معنوی، رئیس سابق کمیسیون انتخابات، ناخواسته در برنامه «فراخبر» تلویزیون «طلوع» به تاریخ ۱۳ اپریل ۲۰۱۴ فاش نمود:



بسته‌های کارت‌های رای‌دهی بدون عکس که توسط کارمند کمیسیون انتخابات به نفع نامزد مشخص رسانیده می‌شود.

«بهتر است که ما مثبت‌گرایی بکنیم، و روحیه عمومی‌تر حتا در جامعه جهانی هم همین بود که این انتخابات موفق جلوه داده شود که به افغانستان کمک می‌کند، به مشروعیت نظام بعدی کمک می‌کند.»

«آقای محسنی [نادر محسنی، منشی و سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی] گفت که این بار نیز قلب با وسعت گسترده صورت گرفته‌است. در بعضی از ولسوالی‌ها تمام کتابچه رای‌دهی به صندوق رای انداخته شده‌است بدون این که کسی تکلیف جداکردن ورقه‌های رای‌دهی از کتابچه را به خود بدهد. ورقه‌های رای‌دهی به شکل کتابچه‌های صد ورقه می‌آیند.»

نشریه «نیو یارک تایمز»

صدها مورد خشونت و حملات وحشیانه طالبان و گماشتگان آی.اس.آی در روز انتخابات نیز پوشش خبری نیافت و فقط از «موفقیت نیروهای امنیتی» در تضمین امنیت رای‌دهندگان سخن گفته شد. در این حال «رادیو آزادی» به نقل از جنرال دیودهیگت نوشت که «این روز خشونت‌بارترین روز در افغانستان بود». اما از ده‌ها کشته و زخمی این روز خبری انتشار نیافت. تلویزیون «الجریزه» در ۱۲ اپریل ۲۰۱۴

گزارش داد که شفاخانه‌های افغانستان در روز انتخاب چهار برابر روزهای عادی مجروحان انفجارها را تحت عمل جراحی قرار دادند. ۱۵ مجروح تنها به شفاخانه ایمرجنسی در کابل آورده شدند.

براساس ابتدایی‌ترین معیارهای دموکراتیک، این نمایش هیچ قرابتی با یک انتخابات آزاد و شفاف نداشت. وقتی منفورترین جنایت‌کاران جنگی و حتا نماینده حزب پلیدی در یک پروسه راه داده شوند که سخنگویش بدون دغدغه حملات کور انتحاری را تایید کرده به دفاع از آن برمی‌خیزد، آن را

«دموکراتیک» نامیدن به معنی لجن‌پاشی خاینانه به این مقوله انسانی است. بگذریم از این که در یک کشور اشغال‌شده، مافیایی و فاسد سخن از انتخابات دموکراتیک زدن به طنز تلخی می‌ماند.

در روز انتخابات، هنوز یک ساعت از پایان رسمی پروسه رای‌دهی نگذشته بود که یوسف نورستانی، رییس کمیسیون انتخابات، از شرکت هفت میلیون نفر در انتخابات سخن گفت و آن را یک انتخابات شفاف و همه‌گیر اعلام کرد. وقتی تنها اعلام نتیجه ده درصدی حدود ده روز را در بر گرفت مشخص نیست او از طریق چه نوع ماشین با سرعت بالا توانست میزان مشارکت را فقط در ظرف یک ساعت روشن نموده، در اختیار رسانه‌ها قرار دهد. مطبوعات داخلی و خارجی هم روزهاست که همین رقم تخیلی هفت میلیون را قلقله کرده از علاقمندی وسیع مردم به این انتخابات سخن می‌گویند، درحالی که در حقیقت به مشکل حدود دو میلیون تن در انتخابات شرکت کرده‌اند. آنانی نیز که به پای صندوق‌های رای رفتند، عمدتاً توسط بیش از ۲۷۰۰ کاندید شورا‌های ولایتی ترغیب گردیدند.

در این هیچ‌شکی نیست که شماری از مردم تحت تاثیر جو تبلیغاتی کم‌نظیر بخصوص در شهرها پای صندوق‌های رای رفتند و انگشت شان را رنگین ساختند. حدود یک هزار مرکز رای‌دهی به گفته خود کمیسیون مسدود



بسته‌های ورقه رای‌دهی که توسط یک نفر به نفع عبدالله پر می‌شود.

ماند و در اکثر مناطق دوردست کشور فقط صندوق‌ها توسط زورمندان محلی پر شده، هیچ نشانی از انتخابات در آن‌ها وجود نداشت.

اما با وجود فلت‌رشدن اخبار تقلب‌های وسیع و کم‌سابقه از طریق رسانه‌های مافیایی، خوشبختانه حقیقت این نمایش کاذب در شبکه‌های اجتماعی نمایان شد. صدها تصویر و ویدیو از شیادی و دستکاری صندوق‌های رای از سوی مردم در صفحات فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب و غیره گذاشته شد که عملاً جو سانسور را شکست که به دنبال آن تعدادی از رسانه‌ها برای حفظ حیثیت شان مجبور به انعکاس بخشی از این اسناد شدند.

همزمان مسوولان کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی نیز از هزاران شکایتی گفتند که رسماً به این مرجع رسیده است. نزدیک به هزار مورد از این شکایت‌ها به گفته آنان احتمالاً روی نتایج آرا نیز تاثیرگذار خواهد بود. میزان تقلب به حدی وسیع بود که برای حفظ ظاهر هم که شده صندوق‌های صدها مرکز تا کنون بازشماری و قرنطین شده‌اند.

تصویر و ویدیوهای صحنه‌های پرکردن صندوق‌های رای به نفع عبدالله، سیاف، اشرف غنی و زلمی رسول در ولایت‌های قندوز، خوست، قندهار، پکتیا، هرات و غیره ولایت، به زودی نقاب از چهره اصلی این انتصابات برداشت. با گذشت هر روز حتی بعضی کاندیدان واویلا راه انداخته، اسناد تقلب‌ها را بیرون می‌دهند که رفته رفته «مثبت‌گرایی» گردانندگان نیز رنگ باخته هرسو مردم از خیره‌خندبودن این جریان سخن می‌گویند.

حکومت پیش از برگزاری انتخابات اعلام کرد که این روند از سوی حدود ۳۵۰ هزار ناظر نظارت می‌شود. اما شمار ناظران بین‌المللی به ۵۰ نفر هم نمی‌رسید. یک هفته پیش از انتخابات وضعیت امنیتی به طور سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده به وخامت گرایید و اینجا آنجا انفجارها و حملات افزایش یافت تا این که اکثر خارجی‌ها افغانستان را ترک کردند. نمایندگان دو نهاد ناظر انتخاباتی از اتحادیه اروپا نیز از کابل فرار کردند.

«فیفا» و «تيفا»، دو نهاد داخلی «ناظر بر روند انتخابات»، که ساخته‌ی دست حکومت کُرزی و فندبگیر خارجی‌ها اند، در کنار کمیسیون‌های انتخابات و رسیدگی بر شکایات وظیفه داشتند که با ارایه ارقام خیالی این

مضحکه را شفاف و دموکراتیک جلوه دهند. زیر نام «ناظر» آنان عملاً نقش چونه‌پاشی بر گنبدی‌های انتخابات مسخره را به عهده گرفتند.



شاید هم مردم به این نکته پی برده باشند که در انتخابات دروغین جای ورقه‌های رای در صندوق رای دهی نه بلکه در کناراب است!

فهم نعیمی، نادر نادری، جانداد سپین‌غر، نعیم ایوب‌زاده و دیگر سخنگویان و مسوولان این دو نهاد بالا روزه‌ها است که امواج رسانه‌های افغانستان را در اشغال گرفته و به مثابه کاسه داغ‌تر از آتش، بسی خوشبینانه‌تر از مسوولان کمیسیون انتخابات تقلاً دارند که این پروسه را مشروع و «بهتر از انتخابات‌های گذشته» وانمود سازند. هر دو نهاد با سروی‌ها و آمار جعلی

تلاش کردند انتخابات را شفاف جلوه دهند و طوری وانمود نمایند که حکومت در آن بی‌طرفانه عمل کرده‌است.

از خبرها و گزارش‌های که از ارگ ریاست جمهوری و از سوی برخی حلقات نزدیک به کرسی به رسانه‌ها درز کرده، این روزها چانه‌زنی‌ها روی تقسیم کرسی‌ها در حکومت آینده میان رئیس‌جمهور و بازیگران اصلی انتخابات ادامه دارد. تیم حاکم حاضر نیست به سادگی با آرگاه و بارگاه ارگ خداحافظی کند. کرسی تلاش دارد با همکاری امریکا به نحوی قدرت را حفظ کند و با پایان دوره کارش، کلید اصلی ارگ را به‌طور غیرمستقیم در چنگ داشته باشد. او با تمام توان تلاش خواهد کرد تا پس از بازنشستگی، قدرت را به حکومتی تحویل دهد که ضعیف‌تر و فاسدتر از حکومت تحت مدیریت خودش باشد و در هیچ موردی از فرمان امریکا سرپیچی نکند.

در صورت شاخ به شاخ شدن کاندیدان متخاصم، بازهم نتیجه انتخابات مثل انتخابات ۲۰۰۹ نه از طریق صندوق‌های رای، بلکه در پشت درهای بسته

در سفارت امریکا در کابل فیصله خواهد شد. امریکا به این هنگامه تحت عنوان انتخابات نیاز داشت تا بتواند نوکر انتصابی بعدی‌اش را مشروعیت بخشد. امریکا در انتخاب رییس جمهور مشکل چندانی هم نخواهد داشت. اکثر کاندیدان قبلا با گرفتن رابطه با سفارت امریکا به درگاه آن کشور بوسه زده‌اند. طی «مناظره»ها و مصاحبه‌ها نیز تمامی هشت کاندید باقی‌مانده به امریکا اظهار عبودیت کرده، اعلان نمودند که در صورت رسیدن به ارگ نخستین کار شان امضای سند فروش افغانستان به آن کشور خواهد بود.

نکته روشن برای هر فرد با حداقل آگاهی این است که امریکا و دولت پوشالی با رای و شعور سیاسی مردم خیانت نابخشودنی انجام دادند درحالی که انگستان آبی مردم هیچ نقشی در تعیین حکومت پس از کمری نخواهد داشت. حکومت آینده مثل رژیم کمری متشکل از مستی جنایت کاران جنگی، مافیای موادمخدر و نوکران امریکا و غرب خواهد بود که در سیزده سال گذشته از الف تا یای ارگ را در اختیار داشتند و برای ثروت‌اندوزی از هیچ خیانتی دریغ نکردند. شاید چین کمری این بار روی شانه‌های اشرف غنی قرار گیرد و مسوولیت پیشبرد سیاست‌های غرب در افغانستان از یک سرسپرده به سرسپرده دیگر منتقل گردد، اما ماهیت دستگاه حاکم هیچ تغییری نخواهد کرد و مردم ما کماکان زیر سنگ فساد، بدامنی، فقر و جنایت خرد خواهند شد. لیکن این مانور و نمایش سیاسی درس بزرگی به مردم افغانستان خواهد آموخت که به درستی فرق دموکراسی و «دالکرکراسی» را تشخیص دهند.

واقعیت امر این است که مردم زجر دیده و بلاکشیده ما در وضعیت فعلی نه به انتخابات کاذب و دروغین بلکه به امنیت و رفاه نیاز مبرم دارند که فقط می‌توان با ساختن «کمیسسیون رسیدگی به جنایات جنگی ۴ دهه اخیر» به این هدف رسید و بس و نه ساختن کمیسسیون‌های ساختگی برای انتخابات، زیرا اکثریت نامزدان و معاونان شان باید راهی زندان گردند نه ارگ ریاست جمهوری.

لیکونکی: رها آرزو | ژباړونکی: ذکرېا

جان لنون د عدالت او آزادي غوښتنی تل پاتی غېر



ډیرې وخت داسې انگیرل کیږي چې د لويديځ هنرمندان او هنر پالونکي د ژوند په چرچو او سمبالولو اخته دي، پرته له عشق، سینګار، پېسو ټولولو او نوم ایستنی د بل څیز په فکر کې ندي. خو د لويديځ په ستورو کې داسې ځلانده

بیلګې وجود لري چې د خپل هنري ځلا په څنګ کې ئې ټولنیزې ذمه واری هم په غاړه اخیستی او د ژوند په بیلا بیلو برخو کې ئې ځانونه د انساني اوچتو ارمانونو لپاره مبارزی ته ځانګړې کړې دي. په ځانګړې توګه زمونږ افغانانو پیژندګلونه د داسې شخصیتونو په هکله ډیره تنګه او لنډه ده. له یوې خوا د ډوډۍ پیدا کولو غم او له بلې



جان لنون او یوکو اونو په هغه لاریون کې کوم چی په نیویارک کی د بریتانیا د هوایی کرخی د شرکت په مخکی تر سترگو کیږی، دغه لاریون د ۱۹۷۲ کال د فبروری په پنځمه نیټه د ۵۰۰ کسانو په ګډون په لاره اچول شوی وه، موخه ئی له شمالی ایرلند څخه د بریتانیایي عسکرو چټک بیرون وتل وه.

خوا په هیواد کی مبتدل او شاته پاتی فرهنگ د دی لامل ګرځیدلی تر څو د افغانستان د وګړو، په ځانګړی توګه د ځوان نسل پیژندنه یواځی او یواځی د تجارتی او هنر ضد هندی فلمونو به کچه پاتی شی. لدی کبله د ژمنو او انسان دوسته هنرمندانو پیژندنه او له هغو څخه زده کړه چی د حاکم فرهنگ پر ضد د مبارزی یوه برخه جوړوی

ډیره مهمه او اړینه ده. د همدی لید له مخی جان لنون چی د اویایمی لسیزی د ډیری مشهوری ډلی «بیتلانو Beatles» رهبری په غاړه درلوده د هغوی د ژوند او مبارزی پیژند ګلونه تر بحث لاندی نیسو.

جان لنون چی په ۱۹۴۰ کال د اکتوبر په نهمه نیټه زیږیدلی وه ځان ئی د شپیتمی لسیزی نسل ګانه، کومه لسیزه چی د هغه د وینا له مخی د انقلاب لسیزه وه او نسل ئی د پانګوال استعمار په وړاندی د مبارزی نوې لار غوره کړی وه. د جان لنون کورنۍ د انګلستان د لیورپول کارګری طبقی سره تړاؤ درلود، دغه کارګری اړیکه د دی لامل شوه چی هغه د نړۍ د ټولو زیارکېسانو درد او کړاونه کوم چه د پانګوال نظام ستم او ظلم سره لاس او ګریوان دی احساس کړی، همدغه احساس هغه ټولنیز او سیاسي کړنو ته وهڅوه. هغه لا ډیر کمکی ځوان وه چی د بنوونځی د جریدی مسؤلیت یی په غاړه واخیست، لنون به هغه نادودې او ناخوالی چی له خلکو سره کیدی لیکلی او ویل به ئی:

«ما همیشه سیاسی هوډ درلود او د موجوده وضعی پر

خلاف وم.»

د بیتلانو د ډلې بنسټ په ۱۹۶۰ کال کې د جان لنون او پاول مک کارتنی (Paul McCartney) له خوا کینډودل شو، کولای شو د بیتلانو موسیقي او جان لنون په دوه پړاونو وویشو. لمړی پړاو د بیتلانو د شهرت پیل، د نوی عاشقانه شعرونو او خوشحالوونکي موسیقي سره یو ځای چې د خپل شهرت په هڅه کې وه. جان لنون له طارق علی او بلاکبرن سره د هغې دورې په هکله د یوې مرکي په ترڅ کې وایی:

«زه هیڅکله هم غیر سیاسي نه وم... ما له کوچنیوالي څخه په سیستم باندې نیش وهلې، زما اصلی موخه او هڅه همدا وه. خو د بیتلیسم د سیلې به څپو کې له لاسه ووته. زه د لنډې مودې لپاره له واقعیت څخه لیری شوم، زه حتی د بیتلانو د اوج په دوره کې هم پدې نقش کې نغښتي وم، همدا ډول زه څو ځله جورج هاریسن سره یو ځای امریکا ته تللی یم، اپشتاین د تولید مدیر همیشه کونښن کاوه چې ما وهڅوی تر څو د ویتنام د جگړې په هکله چوپه خوله پاتې شم، داسې وخت راغی چې ما او جورج ځان سره وویل که چیرې له مونږ څخه بیا پوښتنه وشي نو وایو به چې مونږ د ویتنام د جنګ مخالفین یو. زمونږ په لید هغوی (د امریکا نظامي ځواک) باید پرته له ځنډ څخه هغه ځای پرېږدي، مونږ همدا کار وکړ خو تر ډیر فشار او کړاو لاندې وو، په سختې سره مونږ وخت تر لاسه کاوه چې خپل افکار بیان کړو.»

په دوهمه دوره کې د جان لنون آثارو سیاسي او ټولنیزه بڼه پیداکړې وه، د یو (راک) ویونکي په پرتله زیاتره یو سیاسي فعال وه. هغه په زرګونو کسان د ویتنام د جنګ پر ضد سرکونو او لارو کوڅو ته راوګښل او له خپلې پخوانۍ چوپتیا څخه ئې د شرم احساس کاوه. د هغه ټولې وروستنې کړنې د وخت له پیچلو سیاسي مسایلو څخه اغیزمنې وې. هغه په ریښتیني توګه خپل هنر د ټولې نړۍ د آزادۍ غوښتونکو له غږ سره یو ځای، د «بریتانیا د امپراتورې غږیتوب» نښه له یوې لیکنې سره یو ځای د انگلستان شهزادګۍ ته بیرته وسپارله.

لنون پدی یاداشت کی لیکلی وه:

«علیاحضرت زه دغه ننبه په نجیره - بیافرا کی د بریتانیا د گډون په غندنه، په ویتنام کی امریکا خخه زمونږ د ملاتړ په غندنه او همدارنگه د غوره سندرو په لیست کی د «سور پیل مرغ» د کنبسته کیدو په غندنه بیرته تاسو ته سپارم. په مینی سره، جان لنون له کڅوړی.»



د جان لنون تر ټولو ډیر پلورل شوی البم یوین «فکر وکړه» تر نوم لاندی چی د رولنگ ستون مجلی په لیست کی، د نړی د ۵۰۰ غوره البمونو به منځ کی اتیایم ځای ورکړل شویدی.

جان لنون له جان سینکلایر (John Sinclair)
«د سپینو پړانگانو» رهبر
چی د امریکا د پرمخ تللی
او چپ گوندونو خخه وه،
تینگه دوستی درلوده.
«سپین پړانگان» چی د
«تورو پړانگانو» د نومیالی
گوند، ځواکمن او غښتلی
ملاتړ وه په امریکا کی ئی د
تور پوټکو له حقونو خخه د
ملاتړ لپاره ارزښتناک نقش
ولوبوه. سینکلایر د امریکا
د نظامیگری نادودو او
ناخوالو پر وړاندی په غوڅه

توگه تینگ ولاړ وو. د ریچارد نیکسون دولت د هغه بدناملولو لپاره،
دوه له چرسو ډک سگرتو په تور په لس کالو بند محکوم کړ. لنون له
یو شمیر آزادي غوښتونکو سره یو ځای په ۱۹۷۱ کال د سپتمبر په
لسمه نیټه د سینکلایر د خلاصون په ملاتړ یو ستر او پراخ کنسرت
په مشیگان کی اجراکړ او تر ټولو غوره سندری ئی د دغه انقلابی
شخصیت په ویاړ وویل:

«که چیری هغه [جان سینکلایر] یو سر باز وی که چیری

ئى ويتناميان په ګوليو په نښه کولای که چيرى د سى آى اى يو غړى وى که چيرى ئى د نېشه يي توکو سوداګرى کولای هغه به آزاد وه او آزاد به ګرځيدای لکه زما او ستا په شان به ئى ژوند کاوه»



جان لنون او يوكو اونو «د سولې بستر» د هلو ځلو په حال كې

لنون په ۱۹۷۰ کال کې له جاپاني اصله يوکو اونو سره چې د ويتنام د جنگ سرسخته مخالفه او په موسيقي کې هم بر لاسی وه واده وکړ. دغه همفکره او د ستم ضد مبارزی جوړی د واده لمانځلو په خاطر د اليزابت مونتريال هوټل ته ولاړل، هغوی د ژوند دغه ځانګړی خوږې شيبې د

ويتنام د جنگ او په ټوليزه توګه په ټولی نړۍ کې د جګړې پر ضد په اعتراضی حرکتونو بدلې کړې. هغوی د «سولې بستر» (Bed Peace) تر عنوان لاندی يوه ستره تابلو، همدارنګه د سولی په پلوی او د جګړې پر ضد نور شعارونه د سټيج په سر وځړول. پداسی حال کې چې د رسنیو د طوفان په منځ کې محاصره شوي وه د يوې اونۍ په موده کې له خپلی خوني بهر نشول، دغه حرکت د يو نړيوال غبرګون بڼه ځان ته غوره کړه، جان لنون د نیکسون او د امريکا د نظاميګری سياست په وړاندی د رسنیو له لاری ډيری سختی نیوکې وکړې او له ممکني لاری ئی غوښتل چې د ټولی نړۍ په ځانګړی توګه د امريکا خلک د جنگ او ناخوالو پر وړاندی چې د هغوی دولت ئی تر سره کوی را وپاروي. د «فکر وکړه» سندرې پداسی فضا کې خپره شوه چې وروسته تر هغه د جنگ د مخالفينو او غندونکو په ژبه ناسته زمزمه ده.

په رښتيا سره نشو کولای د جان لنونانو وجدان او شرف زمونږ د هیواد له ډيری هنرمندانو سره پرتله کړو. د افغانستان ډيری هنرمندانو

هیڅکله هم ندی غوښتی چی د هغه زړه بورنووونکو جنایتونو په هکله کوم چی زموږ وطنی جنایتکارانو، روسی نیواکگرو او په همدی نژدی لسيزه کی د امریکایانو له خوا زموږ په خلکو تر سره شویدی خپله خوله خلاصه کړی. په ډاگه وینو چی جان لنون د خپل ژوند له هری گړی، خڅه گټه تر لاسه کوی او هغه د زور او ظلم په وړاندی د خپلی مبارزی موخه گرځوی، د ټولی نړی، د آزادی غوښتونکو خلکو په زړونو کی د لنون تل پاتی ځای د همدی ټکی اصلی لامل دی.

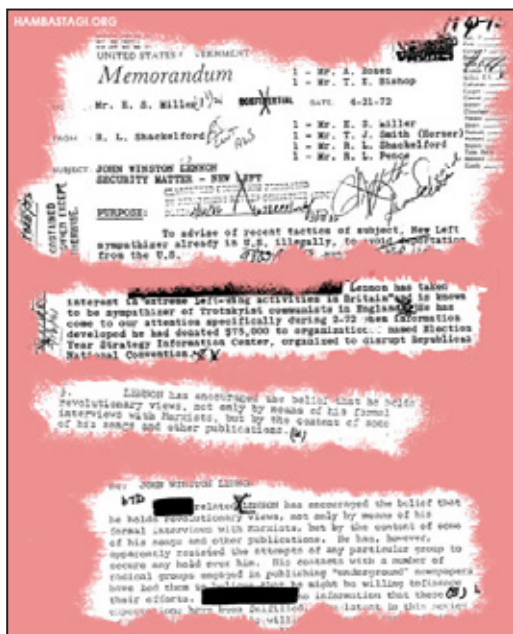
د لنون هنري ماشینداره ورځ تر بلی د سپینې مانی لپاره یو ستر خطر گڼل کیده. لنون چی تر یوې اندازی د ویتنام د جگړی په وړاندی د یو رهبر بڼه غوره کړی وه په منظم ډول د امریکا د «اف.بی.ای» او «سیا» له خوا تر ټینگی څارنی لاندی نیول شوی وه او د هغه ټولی خبری او ویناوی ئی ضبط کولی.

«سولې ته موکه ورکړی» (Give Peace a Chance) سندره د جنگ پر وړاندی په یو غوڅ غبرگون بدله شوی وه چی یو ځل د سپینې مانی په مخ کی نژدی یو میلیون لاریون کونکو په یو آواز دغه سرود وغږاوه. د امریکا دولت له یو داسی دښمن سره مخامخ شوی وه چی نه ئی د تروریست ټاپه ورباندی وهلی شوه او نه ئی د کمونیست تر نوم لاندی له منځه وړای شو. هغه یواځی خپل گیتار او آواز خلکو ته د چوپړ په موخه کارولی وو چی نه اتمی بمب او نه د نړی ستر زبرځواک د هغه په وړاندی خنډ کیدای شو.

«امریکا د جان لنون پر وړاندی» (The US VS Johan Lennon) یو سستند فلم کی چی دیوید لیف (David Lif) او جان سچینفیلد (Jo-han Scheinfeld) جوړ کړی وه په خپرې شوی ویدیو کی د امریکا د وخت جمهور رئیس ریچارد نیکسون نیغ په نیغه لنون ته گواښ کوی:

«که چیری څوک د هنر پیشگي په صنعت کی بوخت وی او اولارشی په یو سیاسی لاریون کی ونډه واخلي د هغه دغه کار یوه قربانې او یو ستر شخصی خطر شمیرل کیږی.»

د نیکسون دولت په یو جدی اقدام لاس پوری کړ. د ۱۹۷۲ کال په



د اف. بی. آی یو شمیر بی نظمه اسناد د لنون په هکله د دی سازمان جاسوسی په ډاگه کوی.

مستقیم لاس درلود او د ایف. بی. آی یو شمیر نورو لاسوندونو کی د لنون «جرم» د فعال انقلابی- امنیتي مسئله ذکر شویده. د «جان ویکو لپاره ملی کمیټې» او د «هنرمندانو د آزادې کمیټې» د خپلو هلو ځلو په ترڅ کی د ګډوالو دفتر ته اعتراضی لیکونه استول، د څو ورځو په موده کی شاؤ خوا (۲۰۰) لیکونه د هنرمندانو او مخورو شخصیتونو له خوا «اجازه ورکړی چی په امریکا کی پاتی شی» لیردول شوی وه د لنون او یوکو د پلویانو له خوا د پراخو نیوکو او اعتراضونو له کبله د امریکا دولت شاتګ ته اړ کړای شو. تر هغی وروسته د یو جنایتکارانه دایمی حل په فکر کی شول.

په پای کی د ۱۹۸۰ کال د دسمبر په اتمه نیټه کله چی جان لنون خپلی میرمن سره په نیویارک کی خپل کور ته روان وه، د مارک دیوید چپمن په نوم د یو سړی له خوا تر برید لاندی ونيول شول او ووژل شول. د امریکا دولت او ایف. بی. آی تر دوه میاشتو پوری د جان لنون د مړینی د لاسوندونو خپرولو اجازه ورنکړه، ادعائی کوله چی: «دا د ملی

وروستیو کی د امریکا د ګډوالو دفتر جان لنون او یوکو اونو ته یو لیک واستوه چی په هغه کی دوی ته ویل شوی وه ترڅو په ۴۰ ورځو کی امریکا پریږدي. د ایف. بی. آی په لاسوندونو کی په جان لنون او د هغه په دوستانو په کراتو د مخدره توکو د استعمال تورونه لگیدلی وه. د ګډوالو دفتر د همدی تور له مخی امریکا څخه د هغوی شرپل پلمه کړی وه. دهغه وخت پټوو لاسوندونو په ډاگه کړه چی پدې قضیه کی نیکسون

امنیت مسئله ده، د هغی خپرول له بهر څخه امریکا دغچ اخیستلو له خطر سره مخامخ کوی. له بلی خوا دهغه مرگ یوه ناڅاپی پېښه وه چی د یو لیونې سړي له خوا سر ته ورسیده». پداسی حال کی چی ډیر زیات شواهد او مدارک د دی پخلې کوی چی قاتل ئی په هاوایی کی د «سیا» یو مامور وه او دغه جنایت د سې.آی.ای په لارښوونه تر سره شوی. جان لنون چی د رېسټنولی او صداقت بیلگه ده، په انساني سترو ارزښتونو مېن وه، د آزادۍ او سولی دښمنانو د لنون د ژوند زغم له لاسه ورکړی وه، بالاخره د نړی دغه ویښ وجدان او روښانه ډیوه ئی مړه کړه. خو جان لنون د نړۍ په هر گوټ کی د خلکو د نیواک ضد مبارزو څخه د خپل دوامداره او غوڅ ملاتړ په خاطر په ځلانده ستوری بدل شوی ده چی هیڅکله هم توری وریځی د هغه د ځلا مخه ډب کولای نشی. لکه چی د هغه میرمن د «امریکا د جان لنون په وړاندی» مستند فلم کی وایی:

«هغوی هڅه وکړه چی جان لنون ووژنی، خو بریالی نشول،
ځکه چی پیغام او هیلې ئی تر اوسه ژوندۍ دی»

د کیوبا یو غښتلی سیاست پوه ریکاردو الارکن (Ricardo Alarcon) وایی:

«د دی سړي په هکله کولای شو هر څه ووایو خو پرته لدی
چی ووایو هغه مړ دی.»

له ناخوالو، تبعیض اوجگړې څخه د پاکی نړی لپاره لنون، د خپل کار او مبارزی په لړۍ کی د خپل ژوند په قربانولو سره ځان په ابدی انسان بدل کړ. د ویتنام د جگړی په وخت کی د لنون شتون د جنگ ضد غورځنگ کی ځانگړی ځای او ځلا تر لاسه کړي وه. د هغه تل پاتی «فکر وکړه» سندره چی له مالکیت، لوړې او ستم څخه د خلاصون، د نوي راتلونکی ورځی زیرې ورکوی تر نن ورځی پوری د ټولو غورځنگونو لپاره چی د پانگوالی جگړو په وړاندی مبارزه کوی په یو ابدی ځواک بدله شوی ده.

نویسنده: همرزم

در «ارگو» عمق محرومیت ملت را تماشا کردم



با دریافت خبر حادثه هولناک رانش زمین در ولسولی ارگو و تخلیه ساحه از سکنه، «حزب همبستگی افغانستان» تصمیم گرفت تا هرچه زودتر به کمک مردم منطقه بشتابد. بنا بعد از تدارک پرسونل، ترانسپورت و خریداری ادویه و شیر، گروه صحنی حزب از

کابل و ولایات دیگر به سوی بدخشان حرکت نمودند. من نیز با این گروه یکجا شدم که چشم دیدم را مختصراً بیان می‌دارم. ۷ شام است، ابرها می‌غرند و باران به شدت همه جا را فرا گرفته است، ما به



پروان رسیده‌ایم. شاهراه کابل به سوی ولایات شمالی کشور به جاده مخروبه شباهت دارد تا شاهراه حیاتی افغانستان. جاده‌های تکه تکه که خاطرات دوران طالبان را در ذهن تداعی می‌کنند. تاریکی و غبار سراسر سالنگ‌ها را در خود پیچانده‌است، وسایط نقلیه بی‌نهایت بطی پیش می‌روند و ما سرگرم گفت و گو برای برنامه فردا هستیم. به علت ناامنی راه، قرار شد ساعت دو و نیم شب در پلخمیری توقف

داشته باشیم و فردا وقت به سوی بدخشان حرکت نماییم.

صبح وقت حرکت خود را آغاز نمودیم، قبل از آن که به محل واقعه (ارگو) برسیم، با دیدن خانه‌های واژگون‌شده در اثر امواج سیلاب‌های مدهش، جاده‌های پر سنگ و گل، پل و پلچک‌های فرو ریخته، آشفتگی مردم و دست‌گذاری پسران و دخترکان کنار سرک به عمق فقر و فاجعه جاری پی‌بردیم. از جهت دیگر بهار است و طبیعت بدخشان چنان گوارا و سرسبز زمین را فرش رنگارنگ نموده‌است که با ماتمش هرگز هم‌خوانی ندارد.

سرانجام ساعت یک بعد از ظهر به ارگو رسیدیم، حادثه‌ی دلخراش و آوارگان سرگردان اشک هر انسان را جاری می‌ساخت. هیچ‌کس رقم دقیق تلفات را نمی‌داند ولی همه کس از فرو ریختن تپه خاکی بر یک دهکده قصه می‌کنند. هیچ‌گونه ماشین آلات برای بیرون کردن مردگان و یا زندگان زیر آوار رفته دیده نمی‌شود و فقط مردم منطقه و خویشاوندان شان با اشک دیده در جستجوی عزیزان شان زمین را با ابتدایی‌ترین وسایل در دست‌داشته می‌کاوند. قبلاً شنیده بودیم که گروه‌های صحنی از نهادهای خیریه و دولت در ساعات اول حادثه

به کمک مردم شتافته‌اند. اما این خبر صحت نداشت. زیرا هنگامی که آنجا رسیدیم فقط یک خیمه به نام کلینیک سیار بود و بس، آن هم بدون دوا و پرسونل طبی کافی. کمک‌های غذایی، البسه و... هنوز در گرو به اصطلاح کمیسیون هماهنگی کمک‌ها به ولسوالی ارگو است. تنها تعدادی خیمه به نیازمندان داده شده ولی از مواد غذایی و لوازم دیگر خبری نیست. سیلی از مردم بالا و پایین می‌روند و هرکس با بغچه‌ای از شکایت از بی‌عدالتی و خورد و برد به ما می‌گویند. باید گفت که این کمیسیون تمامی آنچه را که برای مصیبت‌زدگان به این منطقه سرارزیر شده‌است در کنترل خود داشته و توزیع آن را به بهانه‌های گوناگون به عقب می‌اندازند.*

وقتی خود را به باشندگان محل معرفی کردیم و آنان فهمیدند که گروه صحتی متشکل از داکتران زن و مرد به کمک شان آمده‌اند، بدون هیچ توقعی به کمک شتافتند و ما را مهمان خود خوانده صمیمانه جهت برپا کردن خیمه یاری رساندند. مردم روستایی ارگو فوق‌العاده ساده و صمیمی ولی محروم از تمامی مزایای زندگی‌اند.

گروه صحتی حزب همبستگی شامل ۲۰ نفر پرسونل اعم از زن و مرد بود که از این جمله ۱۱ نفر پرسونل صحتی، بقیه برای مساعدت در سایر امور همگام قدم بر می‌داشتند. از آنجایی که اکثر مردم قریه فقط به زبان ازبکی تکلم می‌توانستند خوشبختانه در گروه خود یک مرد و یک زن ازبیک‌زبان نیز داشتیم که در زمینه ترجمه کمک شایانی به ما نمودند. ما حدود ۶۵ قلم ادویه با خود داشتیم که ارزش مجموعی آن‌ها به حدود پنج لک افغانی بالغ می‌شد. مقداری هم شیر پاستوریزه با خود داشتیم که آن را عمدتاً برای کودکان و زنان توزیع می‌کردیم.

بعد از جمع و جور نمودن ادویه در اولین ساعت چند مریض عاجل را مداوا کردیم و تا ساعت ده شب روز نخست به تداوی مریضان که صف بسته بودند، پرداختیم. شب نیز هم‌قطاران ما جهت معاینه مریضانی که توان آمدن به مرکز ما را نداشتند در میان خیمه‌ها رفتند و آرام نگرفتند. شب را در خیمه خود گذشتانیدیم و تا صبح از یکسو تماشای درد مردم و از سوی هم قوله‌سگ‌های ولگرد که اطراف ما را محاصره کرده بودند، اجازه خواب آرام به ما ندادند.

فردا ساعت ۵ صبح کار را با شدت آغاز کردیم. زنان و کودکان که بیشترین آسیب دیدگان این فاجعه بودند لحظه به لحظه به ما مراجعه می کردند و به شکل منظم معاینه و با اهدای ادویه رایگان بدون وقفه توانستیم تا ۵ عصر روز دوم ۳۷۰ مریض را مداوا نماییم.



اکثریت مراجعین بزرگ سال از امراض تنفسی، هضمی، بولی، روانی، نسایی، امراض جلدی، چشم، گلو، تب و زکام، فشار بلند و... شکایت داشتند. اطفال بیشتر از سینه بغل، ریزش، اسهالات، سوء تغذی، درد بطن، تب، چشم دردی، گلودردی، تکالیف جلدی و امراض دیگر رنج می بردند. در ضمن مرض توبرکلوز نیز در میان مریضان به گمان اغلب شایع بوده زیرا وزن باختگی و اعراض و علایم شایع توبرکلوز در سیمای مریضان به سادگی خوانده می شد.

در میان مراجعه کنندگان کودکان و کهن سالان کسانی هستند که ما برای شان چیزی کرده نمی توانیم جز توصیه طبی، زیرا آنان به تداوی دوامدار و آزمایشات هم جانبه نیاز داشتند. تعدادی را نیز آدرس دادیم تا در شهر تخار، کندوز و یا کابل به کمک مالی حزب تحت مداوا قرار گیرند. مثلاً طفلکی را دیدم، ۴ ماه عمر داشت ولی زردی زندگی اش را به شدت تهدید به مرگ می کرد و یا طفلکی به گمان اغلب با سوراخ قلب به ما مراجعه نمود و یا زنانی که از تایراید و امراض نسایی رنج می بردند.

غلام حسین باشنده ولسوالی رستاق ولایت تخار با یک خر اموال را از یکجا به جای دیگر انتقال داده از این طریق فامیل ۱۴ نفری خود را اعاشه می کند. وی به خاطر پیدا کردن لقمه نانی به بدخشان می رود، شب را در مسجد سپری کرده خورش را در بیرون می بندد. صبح می بیند که از خر و باری که ۱۵۰۰۰ افغانی ارزش داشت خبری نیست و آن را سیلاب برده است. او با چشمان پراشک می گفت تمام دار و ندار زندگی اش همین بود که از دست داد.

کودکان و کهن سالان کسانی هستند که ما برای شان چیزی کرده نمی توانیم جز توصیه طبی، زیرا آنان به تداوی دوامدار و آزمایشات هم جانبه نیاز داشتند. تعدادی را نیز آدرس دادیم تا در شهر تخار، کندوز و یا کابل به کمک مالی حزب تحت مداوا قرار گیرند. مثلاً طفلکی را دیدم، ۴ ماه عمر داشت ولی زردی زندگی اش را به شدت تهدید به مرگ می کرد و یا طفلکی به گمان اغلب با سوراخ قلب به ما مراجعه نمود و یا زنانی که از تایراید و امراض نسایی رنج می بردند.

تداوی دوامدار و آزمایشات هم جانبه نیاز داشتند. تعدادی را نیز آدرس دادیم تا در شهر تخار، کندوز و یا کابل به کمک مالی حزب تحت مداوا قرار گیرند. مثلاً طفلکی را دیدم، ۴ ماه عمر داشت ولی زردی زندگی اش را به شدت تهدید به مرگ می کرد و یا طفلکی به گمان اغلب با سوراخ قلب به ما مراجعه نمود و یا زنانی که از تایراید و امراض نسایی رنج می بردند.

هرچند با گذشت یک روز، گروه‌های صحنی اردوی ملی، هلال احمر و داکتران پکتیا نیز آنجا رسیدند اما از آنجایی که این تیم‌ها فقط چند قلم ادویه در اختیار داشتند و ثانیاً هیچ داکتر زن در میان شان نبود، بازهم موجی از بیماران به مرکز صحنی ما مراجعه می‌نمودند.



داکتر داوود رزمک رییس حزب همبستگی افغانستان
در حال مداوای بیماران

ولسوالی ارگو در غرب فیض آباد در فاصله ۲۲ کیلو متری قرار دارد که تقریباً دارای ۱۵۲ قریه بزرگ و کوچک بوده و ساکنانش بیشتر مشغول زراعت، مالداري و سنگ‌شکنی اند. سرانبرشدن میلیاردها دالر به نام «بازسازی» و «مبارزه علیه تروریسم» و لاف‌های گراف والی‌های دولت فاسد کرزی

در وضع زندگی این مردم اصلاً تغییری ایجاد نکرده و همه چیز عمدتاً در جیب جنگ‌سالاران و جنایت‌کاران معلوم‌الحال ریخته و هنوز همان زندگی بدوی با امکانات ناچیز روستایی ادامه دارد. بنا ستم طبیعت که در موارد مشخص همانند حادثه ارگو قابل مهار بود نیز عاملش بی‌کفایتی حکام پوشالی است. مردم می‌گویند که ما شکافی را در این ساحه دیده بودیم ولی بی‌نوایی ما را واداشت تا همین جا بمانیم.

قیوم جوان ۲۷ ساله، زاده‌ی همین محیط است، می‌گوید که بارها به نام مردم کمک‌هایی آمده ولی همین قومندان‌ها و دولتی‌ها با رییس‌های شوراهای جور آمده بین خود تقسیم می‌کنند و به بازار می‌فروشند و فقط مردم را بازی می‌دهند. شما می‌بینید که کمک‌های فراوان به منطقه رسیده و مردم هم نیاز دارند ولی اینان تقسیم نمی‌کنند و منتظر فرصت اند تا به بازار عرضه کنند. مادری که بیمار بود به من گفت ۴ یا ۵ ماه است که نه میوه تازه خورده‌است و نه گوشت. خوراک شان در زمستان‌ها نان قاق با قروت است و تابستان‌ها اگر

گاو و بزى داشته باشند شیر و سبزی‌های وحشی در دامن تپه‌ها است و بس. او گفته که اکثراً بسیاری شب‌ها بدون خوردن نان خوابیده‌است چون چیزی برای خوردن ندارند. سن اکثریت مردم منطقه با ظاهر شان شباهت نداشت، عمر کم ولی وزن‌باختگی، چین‌های صورت با چهره‌های سوخته، فقر و فاقگی آنان را بیشتر از عمر واقعی شان، کهن سال نشان می‌دهد که نتیجه محرومیت غذایی و کار شاقه دوامدار است.

در قریه‌های شان گویی هیچ مظهری از تمدن هنوز راه نیافته‌است. خانه‌های گلی، کوچه‌های خاکی و بدون هیچ کلینیک و مکتب حداقل معیاری و سایر مراکز آموزشی. بیماران زیادی را تداوی کردیم که می‌گفتند نخستین بار است که در عمر شان به داکتر مراجعه می‌کنند.

به‌طور عمومی در منطقه از آب آشامیدنی و حمام و بیت‌الخلاء صحتی خبری نیست؛ دست و پای کودکان در چرک و عرق، غرق است. لباس‌های ژولیده و چپلی‌های پینه‌ای و پاره پاره نشان‌دهنده شدت فقر است. کودکان



پیر مرد ۷۰ ساله‌ای که از فشار بلند خون رنج می‌برد و بنا بر مشکلات مالی و نبود امکانات صحتی هرگز به داکتر مراجعه ننموده‌است.

با خاک بازی می کنند و هیچ کدام شان معنی سامان بازی را با آن که بار بار پرسیده شد، ندانستند. فقط چراندن حیوانات و کار در زمین های للمی و ساعت تیری های کودکانه و محلی خود را می دانند و بس. وقتی از بزرگ ترها پرسان می کنید که هفته چند بار حمام می کنید، با خنده می گویند که ماه یک بار اگر زمینه مساعد شود غنیمت بزرگی است. و هزاران مشکل دیگر...

قریه جات صمتی، آفاقی، اشکاشان، کذر، بیخا دره، کاکان و... نیز در اثر سیلاب ها آسیب جدی دیده اند و مردم آن در تهدید شدید سیلاب و لغزش کوه و تپه های خاکی به سر می برند. آنان تلفات جانی همانند قریه آب باریک نداشته ولی خسارات مالی فراوانی را متقبل شده اند که نه دولت و نه نهادهای خیریه به آن توجه کرده اند. به همین سبب با مشوره سایر همکاران تصمیم ما بر این شد که به صمتی جهت مداوای بیماران میرویم.

امروز سومین روز کار ما است با تفاوت مکانش. وقتی دیدیم قریه «آب باریک» در مرکز توجه رسانه ها و نهادهای خیریه قرار گرفته اما از سایر قریه های سیلاب زده نه یادی می شود و نه کمکی به آنان می رسد، ما تصمیم گرفتیم که کار خود را در قریه دیگری ادامه دهیم. اینک گروه صحتی «حزب همبستگی» در صمتی است، این قریه از شاهراه عمومی بدخشان فاصله ندارد و در اینجا نیز همین که مستقر شدیم، مریضان بی شماری به ما مراجعه کردند با همان تکالیف و مشکلات. ما توانستیم بیش از ۲۰۰ مریض را مداوا کنیم.

پدر ۷۰ ساله ای که از فشار بلند خون رنج می برد و هرگز از مرضش آگاهی ندارد و فقط می گوید که گوش هایم کر شده است، به ما مراجعه نمود. او گفت اولین بار است که در زندگی ام به داکتر مراجعه نموده ام چون نه قدرت پولی دارم و نه داکتری در اینجا موجود است. هنگامی که از وضع زندگی شان پرسان می کردید، با آه و افسوس از زندگی مشقت و فقر کمرشکن که سالهاست توان شان را خرد و خمیر کرده است، یاد می کردند و ملامت اصلی این همه مصایب را مشتی از جنایت کاران بر سر اقتدار می دانستند. همگان متحدالقول می گفتند وقتی رای می خواهند همه ی شان آدم های دلسوز و مهربان معلوم می شوند و وعده های رنگارنگ می دهند ولی وقتی به هدف خود رسیدند گرگ های هار اند و ما را فراموش می کنند. پدری برایم گفت: «اینان حالا کجا

اند و نمی دانند که ما با مشکلات و بدبختی های گوناگون دست و پنجه نرم می کنیم، آینده به جای رای تف به روی شان خواهیم انداخت.»

با آن که کمک ما در برابر این مصیبت بزرگ کوچک بود و ما توانستیم صدها مریض را در گوشه و کنار ارگو رایگان تداوی نماییم، ولی هرگز کافی و بسنده نیست. واقعیت این است که داغ های سینه آنان بیشتر از آن است که چند روز مداوای ما بتواند بر آن نقطه پایان گذارد.

سرانجام آنچه ما دیدیدیم و درک کردیم سراسر ماتم مردم بود و مستی جنایت کاران، آنان بیشتر در فکر غارتگری و ربودن لقمه نان بیچارگان بودند نه در غم و اندوه مردم ارگو که در سوگ عزیزان شان می گریند و بی صبرانه در وحشت بی خانمانی به سر می برند. زندگی ارگویان مشتش به نمونه خروار مثال روشن است از وضع اسفناک افغانستان تحت سیطره امریکا که جهان را آگاه می سازد. بنا نیازمندی جامعه ما و شکاف عمیق میان جنایت کاران و فقرا را فقط تحول بنیادی می تواند التیام بخشد و بس.

جا دارد از کسانی که ما را در این سفر هم به لحاظ مالی و نیروی انسانی یاری رساندند و بدون هیچ گونه توقع با یک صدا با ما همراه گشتند از صمیم قلب تشکر نماییم.

*بین عصر و شام است مردم در اطراف موترهای کمک آورنده جمع شده و منتظر تقسیم مواد اند. اعضای کمیسیون و افراد شان به جای این که مردم را به صفا دعوت کنند و بعد به تقسیم مواد به گونه درست بپردازند، از داخل موتر چند بوتل آب و بسته های غذایی را پرتاب می کنند و مردم گرسنه و اطفال چورکان و حمله نموده به سر هم می کوبند و هرج و مرج حکمفرما می گردد. بعد به همین بهانه که شما گپ را نمی فهمید از سوی نیروهای امنیتی افراد متفرق شده و تقسیم مواد صورت نمی گیرد که بهانه ایست جهت دستبرد کمک ها از سوی مشتکی مفت خوار.

نویسنده: بهروز پویان

ولی خان دروازی، معرف استقلال افغانستان



ولی خان دروازی وزیر
خارجه، وزیر حربیه و
نایب السلطنه غازی امان‌الله
خان و یکی از آزادی‌خواهان
واقعی کشور ما بود که در
مبارزه علیه استبداد و استعمار
انگلیس و کسب استقلال نقش
مهم داشت. وی به عنوان سفیر
سیار دولت مستقل امانی برای

اولین بار روابط سیاسی افغانستان را با جهان به مثابه یک کشور مستقل و آزاد
تأمین نموده، به کشورهای اروپایی، امریکایی و آسیایی سفر کرد تا هویت
ملی، استقلال و آزادی افغانستان را به معرفی گیرد.

شاه محمد ولی خان دروازی فرزند شاه ابوالفیض، یکی از خان‌های ولسوالی درواز بدخشان، در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی تولد شد. در آن دور شاهان برای جلوگیری از خیزش‌های متنفذین و خان‌های محلی، پسران این افراد را به بهانه تعلیم و تربیه در دربار خود نگهداری می‌کردند تا بدین وسیله هم پدران شان را در اختیار داشته باشند و هم پسران شان که غلام‌بچه نامیده می‌شدند، غلام سرسپرده این شاهان مستبد بمانند. دروازی هم به جمع غلام‌بچه‌های دربار امیر



دروازی جوان با محمود طرزی که نقش به سزایی در رشد افکار مشروطه‌خواهی داشت.

حبیب‌الله خان پیوست، اما وضعیت سیاسی-اجتماعی آن دور بخصوص جنبش مشروطه‌خواهی، شور دیگری را در او پرورانیید. دروازی با امان‌الله خان که شهزاده مترقی و پیشرو دربار بود، دوستی نزدیک را برقرار نمود که بیشتر بر هم‌فکری مترقی یکدیگر شان استوار بود.

پسان‌ها این دوستی تأثیرات مثبتی بر اوضاع افغانستان داشت و دروازی تا چوبه دار به پیشواز این دوستی و افکارش رفت.

در سال ۱۹۰۶ نخستین مجلس ۵۲ نفره موسسان جنبش مشروطه در منزل میر سید قاسم لغمانی واقع شوربازار شهر کابل دایر گردید، مشروطیت اول به رهبری مولوی سرور واصف زیر نام «جمعیت سری ملی» یا «نهضت جوانان افغان» شکل گرفت و دروازی جوان یکی از پرچم‌داران این جنبش بود. دروازی با دوراندیشی، ابتکار و حس وطن‌دوستی هم‌سان سایر یارانش با دید ملی و به دور از تعصبات قومی، مذهبی، سمتی، زبانی و منطقوی در پیروزی مشروطیت و کسب استقلال نقش بارز را بازی کرد. وی به منافع ملی نهایت ارج می‌نهاد و از خاینان ملی و استعمار انگلیس نفرت داشت. به همین سبب درست به دستورغازی امان‌الله خان به جنگ استقلال در برابر امپراتوری انگلیس شتافت و آزادی را یکجا به ضرب شمشیر همراهانش و ملت افغانستان به ارمغان آوردند.

پایان سلطنت امیر و عزیمت انگلیس توام با پیروزی مشروطه و کسب استقلال به قیادت امان‌الله خان بود. بناً اوج کار و تلاش مشروطه‌خواهان به هدف استحکام روابط با سایر کشورها از اولین گام‌هایی بود که در راس آن دروازی به حیث سفیر سیار آغاز نمود. میر غلام محمد غبار در اثر ماندگارش «افغانستان در مسیر تاریخ» درمورد سفر وی به روسیه نقل می‌کند:

«رئیس این هیات بزرگ یکی از روشنفکران لیبرال دربار محمد ولی خان بدخشانی و یک عضو عمده آن یکی از فضیلا مشروطه‌خواه افغان میر یاریک خان بدخشانی بود که روز حرکت از کابل در پشت اسپ سکت کرده از جهان بگذشت و سبب تأثر در حلقه‌های روشنفکری کشور گردید. سایر اعضای این هیئات عبارت بود از میرزا محمد یفتلی، عبدالرحمن خان لودین، محمد گل خان مهمند، سردار فیض محمد خان زکریا، قاضی سیف‌الرحمن خان، عبدالرحمن خان کمیدان، خواجه هدایت الله خان، بشیر احمد خان، عزیزالرحمن خان، غلام جیلانی خان و غیره.»

(صفحه ۷۸۶، جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ)

بنا بر گزارش روزنامه «پراودا»، چاپ شوروی مورخ ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۹، به تاریخ ۱۴ اکتوبر محمد ولی خان دروازی در مسکو با ولادیمیر ایلیچ لنین دیدار نموده، پیامی را از جانب شاه امان‌الله به دولت شوروی رسانید. لنین نماینده افغانستان را با این جملات استقبال نمود:

«من بسیار خرسندم که در پایتخت سرخ دولت کارگران و دهقانان، نماینده ملت دوست افغانستان را که تحت ستم قرار داشته علیه ظلم امپریالیزم می‌جنگند، می‌بینم.»

ولی خان دروازی از لنین درخواست نمود:

«من به شما دست دوستی پیش نموده امید می‌برم که تمام شرق را کمک خواهید نمود که خود را از یوغ امپریالیزم اروپایی نجات دهد.»



امان‌الله خان (چپ) مصروف آموختن زبان فرانسوی با محمد ولی خان دروازی (راست)

در ضمن، ولی خان دروازی برای مدت دو سال به کشورهای مختلف جهت معرفی استقلال افغانستان و ایجاد روابط دیپلماتیک سفر نمود و در نتیجه چندین کشور از قبیل فرانسه، آلمان، ترکیه و ایتالیا سفارت‌خانه‌های شان را در افغانستان گشودند و افغانستان هم بدین شکل سفارت‌خانه‌اش را در این کشورها باز نمود. بر علاوه آن، آلمان یک مکتب پسران

به نام «لیسه عالی امانی» و فرانسه دو مکتب پسران و دختران به نام‌های «مکتب امانیه» (بعدها پس از سقوط دولت امانی به استقلال تغییر نام کرد.) و «لیسه ملالی» را ساختند. ۴۰ تن از شاگردان بچه برای تحصیلات عالی به فرانسه و آلمان فرستاده شدند و تعدادی از دختران به ترکیه. جمعی از کارشناسان آلمانی، فرانسوی، ایتالوی و ترکی برای رشد و توسعه امور تعلیم و تربیه، باستان‌شناسی، صنعتی و نظامی به افغانستان آمدند که حتا امروز مردم افغانستان از پروژه‌های بنیادین آن زمان مستفید می‌گردند.

پس از سفر دو ساله، دروازی به افغانستان برگشت و به جای محمود طرزی، سمت وزارت خارجه و بعدها وزارت حریبه (وزارت دفاع) را به عهده گرفت. بعد از فروپاشی دولت امانی اکثریت روشنفکران مشروطیت دوم و کسانی

که با شاه امان‌الله خان همکاری داشتند توسط حبیب‌الله کلکانی و پس از آن نادر شاه مورد تعقیب قرار گرفتند. در این میان نادر شاه با عقده‌گشایی بیشتر دگراندیشان و آزادی‌خواهان را جوخه جوخه به چوبه دار بست و یا در زندان‌های مخوف انداخت. محمد ولی خان دروازی نیز توسط نادر شاه در اوایل به ۸ سال زندان محکوم شد ولی کینه شاه فروکش نکرده و به توطئه رجوع کرد. نادر جلاد حتا چند تن از چاکرانش را گماشت که با اتهام دروغین علیه این انسان بزرگ شهادت دهند که با دولت حبیب‌الله کلکانی همکاری می‌کرد.

جریان محاکمه و اعدام دروازی و یارانش در مطبوعات دولتی آن هنگام، منجمله شماره ۳۶ روزنامه «اصلاح» در ۲۰ سنبله ۱۳۲۱ تحت عنوان «اعدام خائنین وطن» از سوی مزدبگیران شاه چنین با بی‌شرمی درج گردیده است:

«از خیانات بزرگ محمد ولی که با سقویان جهت تباهی مملکت همدستی کرده بود و از دست همین خائنین حقوق‌ناشناس، دچار سلطه سقویان و انقلاب گردید؛ همه ابنای وطن عزیز ما مطلع اند و هم تفصیل خیانت‌کاریهای او را در کتاب رویداد ریاست دیوان عالی که راجع به محاکمه خائنین ملت و غداران مملکت است مطالعه کرده‌اند. هرچند نامبرده در موقع محاکمه دیوان عالی که راجع به تحقیق اعمال خائنان او دایر گردیده بود، مستوجب قتل شناخته می‌شد معذک ترحم و الطاف شه‌ربار استقلال و نجات‌بخشای افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی از قتل وی منصرف و مجازاتش را به هشت سال حبس تحویل داد...»

و برای توجیه اعدام این نماد آزادی و استقلال، اتهام واهی علیه او در عین مقاله وارد می گردد:



بریده روزنامه «اصلاح»

«...قرار اطلاعی
که اخیرا بدست آمده
محمد ولی در محبس
هم از همان اعمال
اختلال جویانه و ریشه
دوانیهای که مضر
حال وطن بود، دست
بر نداشته الآن کماکان
مشغول دسائس
فتنه جویانه دیگری
بود و میخواست جرم
سنگین تری را نسبت

براحت و امنیت موجوده وطن ارتکاب نماید چون حکومت
متبوعه ما همواره طالب خیر و رفاه ملت و خواهان آسایش و
سعادت مملکت است، درین مورد تحقیقات اصولی را تعقیب
و بعد از اقناع خاطر و اثبات کامل نسبت به شرارت افگنی و
فتنه جوئی محمد ولی، نامبرده محکوم به اعدام گردید، چنانچه
دیروز آن خائن مفسد با غلام جیلانی، شیر محمد، محمد مهدی
و فقیر احمد اعدام گردیدند.»

در اخیر، این جنایت های شان را در قالب همان فرمول کهنه «شاه سایه ی
خدا» پنهان نموده و می نویسد:

«...چون حافظ و ناصر این ملت صادق و امنیت جوی

افغانستان ایزد تعالی است، خود آنها را به کیفر کردار شان
رسانید و باین وسیله وطن عزیز ما از شر این خائنین مفسد
نجات یافت.»



ولی خان دروازی حین دیدار از طیاره‌های نظامی
فرانسه که پسان‌ها چندین قرارداد با این کشور
بسته شد. (عکس از: صفحه فیسبوک شاه‌محمد
ولی‌خان‌دروازی)

اما آقای خالد صدیق
چرخ‌چی، پسر غلام صدیق
چرخ‌چی و برادرزاده غلام نبی
خان چرخ‌چی که هنوز کودک
شش ساله‌ای بیش نبود در اوایل
۱۹۳۲ همراه با کاکازادگانش
راهی زندان گردید و پانزده
سال را در آنجا سپری نمود،
در کتابش «از خاطراتم:
یادداشت‌های حبس سیاسی
از کودکی‌ام در افغانستان»

حقیقت را از زبان هم‌بندش، فاروق جان تیلی‌گرافی، چنین می‌نویسد:

«...پس از شهادت کاکایش [غلام نبی خان چرخ‌چی]، او
[شیرمحمد خان، یکی از جنگجویان دلیر علیه رژیم سقوی و
از طرفداران امان‌الله خان] یکجا با جنرال غلام جیلانی، محمد
ولی دروازی - نایب‌السلطنه امان‌الله، مرزا محمد مهدی خان
سرمنشی، خواجه هدایت‌الله و فقیر خان به بی‌رحمانه‌ترین
شکل به قتل رسیدند. تمام این اعدام‌ها بدون کدام تحقیقات
جرمی و محاکمه صورت گرفت.»

(صفحه ۶۸، نسخه انگلیسی کتاب «از خاطراتم: یادداشت‌های حبس سیاسی از کودکی‌ام
در افغانستان»)

همچنان غبار جریان محاکمه روشنفکران استقلال‌طلب و آزادی‌خواهان را
از قول شاهدان عینی و خودش که نیز ناظر صحنه بود، چنین اشاره می‌کند.

او به قول از راجه مهند می نویسد:



«اگرچه من یک نفر خارجی و درین مجلس سامع هستم و حق سخن زدن ندارم ، معه‌ذا شما را متوجه می‌سازم که محمد ولی خان از رجال بزرگ و بین‌المللی افغانستان است که برای معرفی کردن استقلال آن در ممالک خارجه خدمات قیمتمداری انجام داده است. باید شما در رفتار و قضاوت نسبت به او محتاط باشید و شخصیتش را در نظر بگیرید. تا کنون از طرف بسی آزادیخواهان (مطلبش از مبارزین هندوستان بود) تلگراف‌های

محمد ولی خان دروازی در سن ۴۲ سالگی به تاریخ ۲۴ سنبله ۱۳۱۲ با جمعی از هم‌زمانش به دار آویخته شد و جاودانه گشت. درحالی‌که دولت افغانستان گورهای جنایت‌کاران را می‌آراید، آرامگاه این مبارز بزرگ در قول آبچکان همسان آرامگاه صدها مبارزه راستین به‌صورت مخروبه موجود است.

متعددی راجع به این شخصیت و حمایت او رسیده است...»
(صفحه ۶۲، جلد دوم «افغانستان در مسیر تاریخ»)

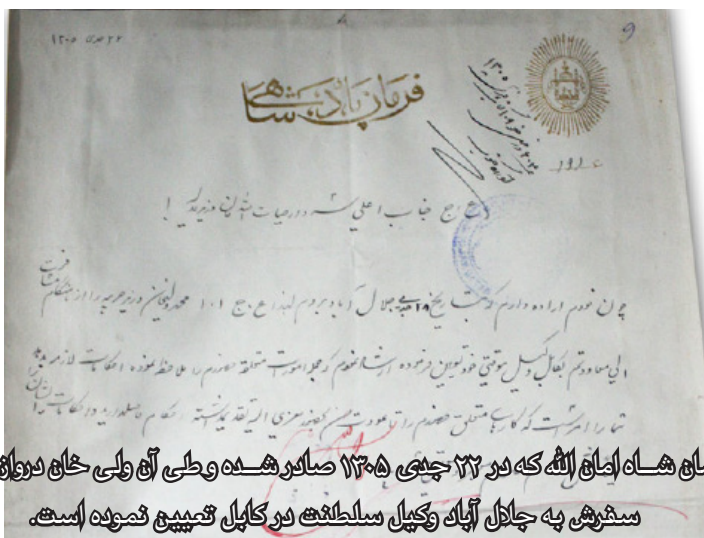
و نیز از قول عبدالرحمن لودین، رییس بلدیة (شاروالی) کابل، در جریان محاکمه می‌گوید:

«مضحکتر ازین محکمه در جهان نبوده است که برای محکوم کردن شخص مانند محمد ولی خان بانهام طرفداری از بچه سقا شهودی که علیه او آورده شده، همه از دوستان و خدمتگاران بچه سقا استند از روباه پرسید که شاهد ادعایت کیست؟ در جواب دم خود را جنباند و گفت اینست شاهد من...»

(صفحه ۶۴، جلد دوم «افغانستان در مسیر تاریخ»)

آنانی که صادقانه به میهن و مردم ما وفادار بوده و در راه رسیدن به فردای بهتر رزمیدند، در طول تاریخ توسط دولت‌های خونریز با حمایت باداران خارجی شان به جوخه‌های دار سپرده شده تا برای حکام خاین زمینه غارتگری‌ها و جنایت‌آفرینی‌های بیشتر مهیا گردد.

اما کور خوانده‌اند، تا روزی که استبداد و ستم حکمفرماست: دروازی‌ها، چرخی‌ها، واصف‌ها، جوباه‌ها، عبدالخالق‌ها، کمال‌ها، لودین‌ها، محمودی‌ها، یاری‌ها و هزاران گمنام دیگر همدوش زمانه با روحیه رزمندگی، جاودانه خواهند درخشید و جلادان آغشته به هزار و یک خیانت را با نفرت بی‌پایان به زباله‌دان خواهند سپرد.



فرمان‌آورد شاه ایامی که در ۲۲ شهریور ۱۳۴۵ صادر شده و طی آن ولی خان دروازی را در سفرش به چالان آبداد وکیل سلطنت در کابل تعیین نموده است.

فعالیت های حزب

جلسه نوبتی حزب همبستگی در کنر



به تاریخ ۱۰ حمل ۱۳۹۳، همبستگی جلسه نوبتی ای را با اشتراک اعضا و هواداران «حزب همبستگی افغانستان» در ولایت کنر، نمایندگان سمت شرق و کابل برگزار نمود. در این جلسه که در مرکز ولایت کنر در باغ یکی از هواداران همبستگی دایر

گرددیده بود، ۶۵ عضو و هوادار همبستگی شرکت ورزیده بودند. اگرچه قرار بود که اشتراک کنندگان بیشتری در جلسه حضور یابند ولی بنابر مشکلات امنیتی در مسیر راه از ولسوالی های دوردست این ولایت و بر علاوه آن مشکلات مالی، افراد مذکور از جلسه باز ماندند.

در نخست، نماینده همبستگی در کنر، گزارش اخیر شش ماهه ولایت را به همگان ارایه نمود که بیشتر به فعالیت‌ها، جلسه‌های نوبتی ولسوالی‌ها و پرداخت حق‌العضویت حزب متمرکز بود. به تعقیب آن، نماینده دفتر مرکزی گزارش شش ماهه حزب در سطح افغانستان را داد و در بخشی از سخنانش درمورد کنر گفت:

«...حزب همبستگی، یگانه حزبی در سطح افغانستان است که صدای اعتراضش را علیه بمباردها و کشتار غیرنظامیان توسط نیروهای خارجی بخصوص امریکا، در تمام کشور و کنر بلند نموده است. ما بر این باوریم که امضا قرارداد امنیتی به جز تداوم کشتار و غارت توسط نیروهای ایالات متحده، چیز دیگری را در پی نخواهد داشت. می‌دانیم که امروز در این مبارزه تنها و کتله نه چندان وسیعی هستیم ولی روزی خواهد رسید که تمام ملت افغانستان اعم از تمام ملیت‌ها و اقوام برضد نیروهای اشغالگر برپا خواهند شد و یکبار دیگر کشور را به گورستان اجنبی‌ها مبدل خواهند کرد.»

در ادامه علاوه نمود:

«حزب همبستگی چندین تظاهراتی را علیه جنایات دولت ایران و پاکستان بر افغان‌ها، برگزار نموده است که حتی سفیر سفاک ایران در کابل را برانگیخت و دستور گرفتاری ما را داد ولی جواب همبستگی برایش این بود که آقای سفیر اینجا کابل است نه جماران؛ این گونه لفاظی‌ات را علیه چاکرانت را به کار ببر، نه برضد حزب همبستگی. در عین حال، ما با احزاب مترقی و پیشرو ایران و پاکستان در ارتباط هستیم و سخت بر این باوریم که اتحاد احزاب مترقی منطقه، سدی علیه بنیادگرایی و حامیان خارجی شان شده می‌تواند.»

سپس نوبت به سوال‌های اشتراک‌کنندگان رسید که بیشتر توسط نماینده دفتر مرکزی و شرق به جواب‌ها پرداخته شد. محب، محصلی از پوهنتون ننگرهار که باشنده کُتر است و اخیراً به همبستگی پیوسته، درمورد علت تحریم انتخابات ریاست‌جمهوری پرسید و در پاسخ نماینده سمت شرق چنین گفت:

«حزب همبستگی انتخابات را رکن اساسی دموکراسی می‌داند اما انتخابات ریاست‌جمهوری را تحریم نموده‌است. زیرا رئیس‌جمهور افغانستان از قبل توسط کاخ سفید انتصاب گردیده و انتخابات مذکور پروسه مضحک است و مصرف پول، پول‌هایی که باید در پروژه‌های بنیادی به مصرف می‌رسید ولی حالا در پروسه ساختگی و مسخره‌ای مصرف می‌شود تا ایالات متحده توانسته باشد تمثیل دموکراسی را در افغانستان نماید. این یک دموکراسی کاذب است.»

تعدادی از اعضای حزب پیشنهاد کردند که شماره‌ی ویژه «همبستگی



جلسه نوبتی «حزب همبستگی افغانستان» در کنر با اشتراک نماینده حزب از کابل.

غیر، به زبان پشتو به نشر برسد چون اکثریت باشندگان کنر کم تر به دری بلدیت دارند. اکثریت اشتراک کنندگان پیشنهاد مذکور را تایید کردند و از سوی نماینده دفتر مرکزی نیز وعده سپرده شد که عنقریب چنین مجله‌ای به چاپ خواهد رسید.

جلسه با انتقادهای اشتراک کنندگان و سخنان جنرال علی خیل به پایان رسید. آقای علی خیل، یکی از هواداران همبستگی و مرد مسنی که چندین سال از عمرش را در جنگ مقاومت ضدروسی سپری نموده و باوجودی که مسوولیت تدارکاتی و مالی یکی از جبهات ضد روس‌ها را داشت اما برخلاف دیگر سران و اعضای بلندپایه تنظیم‌ها، امروز زندگی ساده و به دور از سرمایه‌های افسانوی را به پیش می‌برد، گفت:

«ملت ما برای سالیان متمادی علیه روس‌های و نوکران داخلی شان جنگیدند که چندین میلیون کشته، زخمی و بی‌خانمان را به جا گذاشت. بدبختانه که پیروزی ما را جمعی از جنایت‌کاران دزدیدند و در قساوت شان به حدی پیش رفتند که روی هم کیشان گذشته شان را سفید کردند. در جنگ ضدروسی چندین میلیون کشته دادیم ولی اینان کشور را دو دسته، به امریکا و متحدانش تقدیم کردند. آقای کرزی هم با مداری گری‌اش، همیشه در تلاش است که ملت ما با لبخندها و اشک‌های دروغین‌اش بازی دهد.»

و حینی که چشم‌هایش غرق در اشک شده بود، سخنانش را خلاصه کرد:

«من به نیروی جوان و نسل نو امید بسته‌ام و آرزو دارم که روزی ایشان علیه نیروهای اشغالگر امریکایی و نوکران داخلی شان، فایق آیند.»

ترجمه: شریفه

بی عدالتی در امریکا و جهان به گواهی آمار



ظاهر پر زرق و برق جوامع پیشرفته و ثروتمند، فقر، بی عدالتی و خشونت جاری را کم تر در معرض دید قرار می دهند. اما واقعیت این است که دولت های کشورهایمانند ایالات متحده و ممالک اروپایی اکثرا یا خود با چنین پدیده هایی دست و پنجه نرم

می کنند و یا عامل اساسی و مهم بدبختی سایر ملت ها می باشند. در پایین، ترجمه ی آمار و ارقامی را می خوانید که اکثرا غیر از قابل باور نبودن نشان دهنده فاصله عمیق سطح زندگی در نقاط مختلف دنیا است. بخصوص

اغلب واقعیت‌ها در مورد امریکا، حقیقت کشوری را انعکاس می‌دهد که به مراتب بیشتر از دیگران داد از حقوق بشر و دموکراسی و حتا صدور آن به سایر کشورها می‌زند.

چند مورد زیر که از صفحه «واقعیت‌های بی‌عدالتی» (InjusticeFacts) در تویتتر گرفته شده‌اند، شمه‌ای از بی‌عدالتی‌های وحشتناک در جهان امروزی را به تصویر می‌کشد:

- درآمد ۲۲۵ میلیارد جهان مساوی است به درآمد مجموعی چهار میلیارد افراد فقیر جهان.

- ایالات متحده ۸۰ میلیون دلار کمک به یونسکو را به این دلیل کاهش داد که فلسطین را به مثابه یک ملت و فلسطینیان را منحیث شهروندان این جهان به رسمیت شناخته بود.

- ۹۵ فیصد آنانی که حامی اشغال افغانستان توسط ایالات متحده بودند، نام پایتخت افغانستان را نمی‌دانستند.

- مصرف کنندگان در کشورهای ثروتمند سالانه ۱۷ میلیارد دلار را صرف خوراک حیوانات خانگی شان می‌کنند، درحالی که فقط با ۱۷ میلیارد می‌توان فقر و سوءتغذی جهانی را زدود.

- شهروندان ممالک ثروتمند سالانه ۶۰۰ میلیارد دلار را صرف مواد مخدر می‌کنند، مبلغی که با آن می‌توان فقر را به مدت سه سال از جهان محو کرد.
- نیویارک تایمز در ۲۰۰۸ گزارش می‌دهد که امریکا ۵ فیصد نفوس جهان را در خود جا داده‌است، اما در عین حال ۲۵ فیصد زندانیان جهان را نیز داراست.

- کارگران شرکت «نایکی» (Nike) در اندونیزیا روزانه ۲.۴۶ دلار به دست می‌آورند، درحالی که به‌طور اوسط هر کارگر به ارزش ۳۸۰۰ دلار بوت تولید می‌کند.

- در طول تاریخ بشر نیروهای امپریالیستی هرگز کشوری را اشغال ننموده‌اند که از نظر منابع بعضی مواد طبیعی‌ای غنی نبوده باشد.

- مدیران اجرایی در سال ۱۹۸۰ چهل و دو برابر، در ۱۹۹۰ هشتاد و پنج برابر و در سال دو هزار ۵۳۱ برابر بیشتر از کارگران عاید به دست آورده‌اند.

- زنان در اروپا و امریکای شمالی سالانه ۱۹ میلیارد دلار را صرف مواد آرایشی ای می کنند که بالاخره از روی پوست با آب شسته می شود، درحالی که بسیار مردم در قحطی به سر می برند.
- توماس جفرسن (از روسای بنیانگذار امریکا) زمانی اعلام نمود: «تمام انسان ها مساوی خلق شده اند»، ولی خودش مالک و نگهدارنده ۳۰۰ برده افریقایی بود.



کودکان برده افریقایی در امریکا

- در آمد روزانه شرکت «وال مارت» (Walmart) بیشتر از تولید ناخالص ملی سالانه ۳۶ کشور جهان می باشد.
- ۹۵ فیصد از دانشمندان برجسته نازی از آلمان به ایالات متحده منتقل گردیدند تا برای شرکت های امریکایی کار کنند.
- ایالات متحده امریکا غنی ترین ملت روی زمین، عمیق ترین شکاف اجتماعی میان فقر و ثروت را داراست.
- بیش از یک میلیون افریقایی-امریکایی در ایالات متحده زندانی اند، رقم بیشتر از تعداد مجموعی زندانیان در سرتاسر افریقا.
- از تجاوز ایالات متحده امریکا در ۲۰۰۳ تا کنون، ۴۰۰۰ داکتر عراقی کشته شده اند، بالاترین آمار داکتران کشته شده در جریان جنگ در تاریخ بشر.
- مصارف سالانه تهویه هوای تاسیسات امریکا در عراق و افغانستان: ۲۰.۲ میلیارد، مبلغ کافی برای محو گرسنگی در جهان.
- ۱ فیصد نفوس دنیا صاحب ۵۰ فیصد ثروت و منابع آن اند.
- هر سال امریکا بیشتر از آنچه تمام کره زمین به خاطر صحت به مصرف



بی‌خانه، سرد و گرسنه. لطفا کمک کنید.

بعضی‌ها ایالات متحده را سرزمین بی‌خانه‌ها می‌نامند.

می‌رساند، صرف جنگ و ویرانی می‌کند.

- از ۱۹۵۲ تا کنون، ۱.۷ تریلیون دلار توسط ایالات متحده آمریکا به اسرائیل داده شده که عمدتاً جهت خشونت علیه فلسطینیان و سرزمین‌شان به مصرف رسیده‌است.
- ایالات متحده همه ساله

۳.۵ میلیارد دلار به اسرائیل

نژادپرست می‌پردازد، مبلغی که با آن می‌توان نیمی از اطفال گرسنه جهان را سیر نمود.

- از ۲۰ میلیون افریقایی‌ای که جهت بردگی و استثمار به آمریکا آورده شدند، ۱۱ میلیون کشته و یا در راه بازگشت به بحر افکنده شدند.

- هر سال آمریکاییان و اروپاییان ۱۷ میلیارد دلار را برای خوراک حیوانات خانگی‌شان به مصرف می‌رسانند، سه برابر آنچه افریقایی‌ها برای غذا می‌پردازند.

- فقط ۱ میلیارد دلار کافیسست تا ملاریا که سالانه یک میلیون قربانی می‌گیرد، را ریشه کن کرد، در حالی که ایالات متحده سالانه ۱۰ میلیارد را فقط برای چاکلیت می‌پردازد.

- حملات یازدهم سپتامبر جان ۸ کودک آمریکایی را گرفت، درحالی که حملات نظامی تلافی جویانه ۲ میلیون کودک عراقی و افغان را کشت.

- خمینی، صدام و بن‌لادن توسط سی‌آی‌ای آموزش دیده بودند، قبل از این که نقش شریرترین دشمنان آمریکا را ایفا نمایند.

- ایالات متحده سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار را در جنگ علیه تروریسم به مصرف می‌رساند، مبلغی که می‌توان با آن فقر جهانی را به صورت کامل محو نماید.

- ۶۰ فیصد نفوس امریکا اضافه وزن یا چاق اند، درحالی که ۳۰۰۰۰ تن هرروزه به دلیل قحطی می میرند.
- پنتاگون همه ساله ۳۰ میلیارد دلار را جهت تحقیق در راه ایجاد سلاح های مرگبارتر به مصرف می رساند.
- تماشای چینل های خبری مانند «فاکس» (Fox) و «سی.ان.ان» (CNN) موجب بی خبری بیشتر می گردد: ۸۵ فیصد از بینندگان فاکس نیوز هرگز از جنگ کانگو شنیده اند.
- کاشفان عمدا به امریکاییان بومی کمپیل های آلوده به سرخکان را داده، در نتیجه عامل کشتار ۹۰ فیصد مردم آن سرزمین با چنین سلاح بیولوژیکی گردیدند.
- ۹۸ فیصد قربانیان خشونت های عمومی در ایالات متحده، سیاه پوستان یا لاتینی ها اند.
- ۱۰ شرکت برتر تولید جنگ افزار در جهان سود ۲.۸ تریلیون دالری از «جنگ علیه تروریسم» به دست آورده اند.
- درحالی که ایالات متحده ۷۳۷ پایگاه نظامی در خارج از خاکش دارد، اما منکر این است که یک قدرت امپراتوری به شمار می رود.
- در هر ۳۳ دقیقه یک نفر در ایالات متحده به قتل می رسد.
- ایالات متحده خشونت بارترین فرهنگ دنیا را داراست، همه ساله ۳۰ هزار تن مرتکب قتل می گردند.
- شرکت «نیسلی» (Nestle) صدها میلیون از استثمار کودکان ۱۵-۱۲ ساله در افریقا درآمد دارد، آن هم اکثرا کودکان قاچاق شده.
- در ۲۰۰۹ اوپاما جایزه صلح نوبل را به دست آورد با آن که کشور تحت ریاستش در همان سال ۷۰۰ میلیون دلار را در جنگ و ویرانی به مصرف رسانیده بود.



Solidarity party of Afghanistan
WWW.HAMBASTAGI.ORG

حزب همبستگی افغانستان
روز جهانی زن را ملی محفلی
گرامی میدارد.

مارچ

همبستگی و مبارزه
پیگیر زنان
علیه ستم و استبداد
زنجیر اسارت را
خواهد گسست!

۱۷ حوت ۱۳۹۳
March 8, 2014
DVD

«دی.وی.دی» محفل «حزب همبستگی افغانستان»
را به مناسبت روز جهانی زن در بدل ۵۰ افغانی از
نزد ما دریافت کنید.

محتویات:

- سخنرانی رییس «حزب همبستگی افغانستان»
- سخنرانی خانم مالالی جویا
- سخنرانی خانم هندیه
- سخنرانی نوریه حقنگر
- تیاتر زنده
- موسیقی اعتراضی «مورچه ها»، ناصر رویان و آرش بارز

نشریات «حزب همبستگی افغانستان» را در کابل و ولایات از آدرس های ذیل به دست آورده می توانید:

کنز

جاده ولایت،
قرطاسیه فروشی محمد هارون

ننګرهار

شهر جلال آباد، چوک تلاشی،
مقابل گمرک کهنه
غرفه فروش اخبار و مجلات
جمیل شیرزاد

فراه

ولایت فراه، کتابفروشی عزیزی،
واقع ناحیه سوم، مقابل
لیسه نفیسه توفیق میر زایی

کنر

ولایت کنر، چغانسرای،
سرک قومندانی،
کتابفروشی احمد ظاهر

غزنی

ولایت غزنی، بازار سنگماشه،
سرجوی حوزه، کتابفروشی صبا

ننګرهار

ولایت ننګرهار، ولسوالی خیوه،
کتابفروشی سیار

کابل

نماینده گی انجمن نویسندگان افغانستان
جوار پارک تیمور شاهی

و

کتاب فروشی غلام نبی اشقری،
مکرویان سوم - مقابل بلاک ۱۱۲

و

جوی شیر، کتاب فروشی صافی حیات

و

چهار راهی صدارت، شرکت کتاب
شاه محمد

بلخ

شهر مزار شریف، چهارراهی
بیهقی، پوسته خانه شهری
کتاب فروشی عبدالغفور عرفانی

و

چهارراهی بیهقی،
مقابل نشنل بانک پاکستان،
کتاب فروشی فیروز

هموطنان درد دیده،

اگر خواهان افغانستان مستقل، آزاد و دموکرات هستید؛ اگر آرزوی سربلندی افغانستان و آسایش مردم مظلوم ما را به دل دارید؛ اگر می‌خواهید علیه جنایات و خیانت‌های اشغالگران و نوکران میهن‌فروزشش نقشی ادا کنید، به «حزب همبستگی افغانستان» بپیوندید و در تکتیر و پخش نشریات حزب تان هرچه بیشتر و وسیع‌تر بکوشید!

آدرس: پست بکس شماره ۲۴۰، پسته خانه مرکزی
کابل - افغانستان

موبایل: 0093-700-231590

ایمیل: info@hambastagi.org

سایت: www.hambastagi.org

فیس‌بوک: facebook.com/Afghanistan.Solidarity.Party

تویتر: twitter.com/solidarity22

یوتیوب: youtube.com/AfghanSolidarity

«حزب همبستگی افغانستان» برای پیشبرد فعالیت‌هایش به حق‌العضویت اعضا و اعانه‌هواداران و دوستان‌انش اتکا دارد. با کمک‌های نقدی تان ما را یاری دهید:

Azizi Bank

Koti-e-Sangi Branch, Kabul, Afghanistan

Name: Sayed Mahmood

Account No: 001903204644917

THE Voice of Solidarity

(HAMBASTAGI GHAG)

19
MAY
2014

A Monthly Publication of the Solidarity Party of Afghanistan

تیم های سیار صحنی حزب همبستگی افغانستان
در حال کمک به فاجعه زدگان قریه های
آب باریک و صمتی در ولسوالی ارگویی بدخشان



قیمت این شماره: ۲۰ افغانی